



عصر

روزنامه اجتماعی قضای
یکشنبه
۱۳ آبان ۱۴۰۳ • اجمادی الاولی ۱۴۴۶ • 3 November 2024
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره چهارصد و پنجاه و هفت
www.asrghanoon.ir

مجازات

خطای محاسباتی

رئیس سازمان بسیج مستضعفین: نتانیا هو مجازات می شود چون دچار خطای محاسباتی شده است

تجاوز رژیم صهیونیستی به حریم جمهوری اسلامی ایران، اقدام بسیار خطرناکی بود که با همراهی و با ایجاد کردیدور فضایی توسط ایالات متحده آمریکا در پایگاه نظامی اشغال شده در عراق صورت گرفت. حمله به خاک ایران که با سلاح و پشتیبانی آمریکا و با ارائه اطلاعات توسط انگلیسی به رژیم صهیونیستی اتفاق افتاد، نشان داد که دشمن محور عبری-غربی نسبت به جمهوری اسلامی دچار خطای محاسباتی شده است؛ بنابراین در صورت عدم تغییر در محاسبات دشمن، این مدل تجاوزات دشمن را باید بیشتر تجربه کرد. مدل رفتاری رژیم صهیونیستی در گذشته نشان داده است که این رژیم در صورت دریافت سیگنال ضعیف، مصمم به ضربه زدن به طرف مقابل بر می آید.

در صفحه ۴ بخوانید



امام و ایستادگی در برابر استکبار



امام (ره) راجع به آمریکا و استکبار جهانی هیچ رودربایستی ندارند و از مبارزه با استکبار جهانی و بحث حمایت از مستضعفین هیچ گاه کوتاه نمی آمدند.

۳

استکبارستیزی قرآنی، مقطعی و فصلی نیست



استکبارستیزی و برتری جویی از مطالب مهمی است که در فضای گفتگویی قرآنی به آن پرداخته شده و قرآن کریم به شدت علیه استکبار و به نفع استکبارستیزی موضع گرفته است.

۳

موشک های ایران (اروپا زن) می شود



باز شدن پای تهدید ایران و دسترسی موشکی کشورمان به اروپا به عنوان یک «مجموعه دشمن» هزینه های اضافی و حشتناکی را به این کشورها تحمیل خواهد کرد که به سادگی و به راحتی نمی توانند از پس آن بر بیایند.

۴

آگاهی بخشی در اولویت است



با توجه به درگیری های مستقیم جبهه مقاومت، ضرورت دارد که فعالیت های رسانه ای و فرهنگی در اولویت قرار گیرد. برگزاری کارگاه های آموزشی و نمایشگاه های کتاب ویژه محور مقاومت می تواند به ارتقای آگاهی عمومی کمک کند.

پیشگان
Pishkhan.com

باغ کانون برخلاف گذشته پربار نیست



راه درست این بود که آثار کودک و نوجوان ما با معرفی بچه های ایران به دنیا هم چهره کشور را آنگونه که هست به مردم و سینمادوستان دنیا نشان می دادند و هم برای اینکه به چشم جشن ها و جشنواره های غربی بیابند نیازی به آگزو تیک شدن نداشتند.

۱

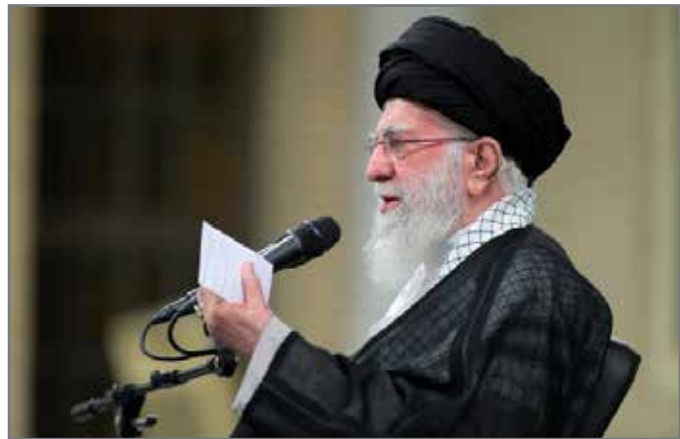
هم داستانی تکنوکرات ها ولیبرال ها



در نظر تکنوکرات ها فرهنگ هیچ انگاشته می شد و اقتصاد، اصل و اساس بود و در نظر لیبرال ها، سیاست، عامل تعیین کننده بود. این دو جریان در پی آن بودند از فرهنگ به عنوان یک کاتالیزور در راستای طرح های تجددی خود استفاده کنند.

۷

آمریکا ورژیم صهیونیستی قطعاً پاسخ دندان شکن دریافت خواهند کرد



رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دبروز در دیدار هزاران نفر از دانش‌آموزان و دانشجویان با تبیین علل اساسی مبارزه‌ی حد‌آقل ۷۰ ساله ملت ایران با ظلم و زیاده‌خواهی‌های آمریکا، تأکید کردند: مقابله اسلامی، ملی، عقلانی، خردمندانه و انسانی ملت ایران با استکبار آمریکا که منطبق با قوانین بین‌المللی است، با نقشه‌راه صحیح و بدون غفلت یا تعلل ادامه خواهد یافت و در این مسیر پیروزمندانه، رژیم صهیونیستی و آمریکا در قبال هر اقدام ضد ملت ایران، قطعاً پاسخ دندان‌شکنی خواهند گرفت.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ابتدای سخنانشان با اشاره به پیشنهاد یکی از دانشجویان در زمینه چگونگی مقابله با استکبار، گفتند: همه بدانند در این مبارزه، هر اقدام لازم نظامی، تسلیحاتی و سیاسی برای آمادگی ملت ایران، انجام خواهد شد و مسئولان هم‌اکنون نیز مشغول اینگونه کارها هستند.

ایشان افزودند: حرکت کلی ملت و مسئولان در مقابله با استکبار جهانی و دستگاه جنایتکار حاکم بر نظم جهانی کنونی، حرکتی منطقی و منطبق با دین و شرع و اخلاق و قوانین بین‌المللی است و ملت و مسئولان در این جهت هیچگونه تعلل و کوتاهی نخواهند کرد.

رهبر انقلاب، مبارزه ملت ایران با استکبار را امری دائم، مستمر و در متن زندگی ملت خواندند و گفتند: نامگذاری یک روز به نام روز ملی مبارزه با استکبار جهانی، در واقع برای فراموش نشدن این مبارزه تاریخی است؛ بخصوص اینکه دست‌هایی در کار است که در حرکت شجاعانه و آگاهانه ملت برای ایستادگی و مبارزه با آمریکا و عواملش در منطقه، تردید ایجاد و سپس این مقابله را انکار کنند.

ایشان با اشاره به تلاش برخی برای ایجاد شبهه در حقانیت مسئله تسخیر لانه جاسوسی، گفتند: بعضی می‌گویند سفارت آمریکا هم مثل سفارت‌خانه همه کشورها، محل تحرکات دیپلماتیک و

جمع‌آوری اطلاعات بوده است؛ پس چرا تسخیر شد؟ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با رد این شبهه، تأکید کردند: سفارت آمریکا در تهران، همانگونه که اسناد بدست آمده از آن تأیید می‌کند، ستاد برنامه‌ریزی برای تحریک و ساماندهی ضدانقلاب و تفاله‌های ساواک شاه، ایجاد اختلاف، تحریک قومیت‌ها، کودتا، تهدید جان امام خمینی (ره) و نابودی انقلاب بود و این واقعیت حتی اگر برخی از عاملان آن حادثه دچار تردید شده باشند، تغییر نمی‌کند.

رهبر انقلاب اسناد کشف‌شده در لانه جاسوسی را بسیار مهم و روشنگر برشمردند و افزودند: جوانان کتاب‌های اسناد لانه و مدارک دیگر را مطالعه کنند تا از حقیقت تبدیل سفارت آمریکا به مرکز شبکه‌سازی و توطئه علیه انقلاب، بیشتر آگاه شوند.

ایشان تسخیر لانه جاسوسی را به علت روشن شدن ماهیت حقیقی سفارت آمریکا، یک نقطه عطف و یک حادثه تاریخی و فراموش ناشدنی خواندند و افزودند: به همین علت بود که امام با آن دید نافذ، حرکت دانشجویان را تأیید کردند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به سؤالی اساسی درباره علت مبارزه ملت ایران با استکبار جهانی، گفتند: بدون تردید این مقابله ناشی از سلطه‌گری ظالمانه و وقیحانه دولت آمریکا بر ملت عزیز و ایران ما بوده است.

ایشان با اشاره به برخی تاریخ‌نویسان منحرف که تسخیر لانه جاسوسی را نقطه آغاز رویارویی ملت ایران و آمریکا می‌نامند، افزودند: این یک دروغ است و این مقابله، حد‌آقل به ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برمی‌گردد؛ زیرا آمریکایی‌ها در آن تاریخ با خیانت به حسن اعتماد ساده‌لوحانه دولت مصدق، آن حکومت ملی و مردمی را با کودتایی خونین سرنگون و حکومت ظالمانه شاه را دوباره برقرار کردند.

رهبر انقلاب جوانان را به مطالعه درباره ماجراهای نهضت ملی و کودتای ۲۸ مرداد و اهل تحقیق را به تولید آثاری در این زمینه توصیه کردند و افزودند: اینها نقاط عطف تاریخ ملت ایران است و باید به خوبی تبیین شوند.

ایشان، ایجاد ساواک و آموزش شیوه‌های شکنجه‌های وحشتناک و بازجویان آن، حضور ده‌ها هزار مستشار مفت‌خور آمریکایی برای دخالت در امور ارتش و دولت و نفوذ و جاسوسی را از دیگر اقدامات ضدایرانی آمریکایی‌ها برشمردند و گفتند: همه این اقدامات برای تحقیر ملت و تسلط بر ایران صورت می‌گرفت.

رهبر انقلاب با اشاره به کمک‌های رژیم خبیث پهلوی به رژیم صهیونیستی، افزودند: پهلوی با هدایت آمریکا و تأمین نفت و

دیگر پشتیبانی‌ها، در خیانتی فراموش ناشدنی، رژیم غاصب را تقویت می‌کرد؛ آن هم در حالیکه اغلب دولت‌های منطقه با رژیم صهیونیستی قطع رابطه کرده بودند.

ایشان گفتند: متأسفانه امروز هم برخی دولت‌ها بی‌اعتنا به جنایات بسیار فجیع رژیم صهیونیستی در غزه و لبنان، به این دشمن خونخوار کمک اقتصادی و حتی نظامی می‌کنند.

رهبر انقلاب مقابله ملت ایران با استکبار را برخاسته از تعالیم اسلام و یک فریضه خواندند و افزودند: مقابله با سلطه اقتصادی، نظامی، فرهنگی و تحقیرآمیز زورگویان جهانی ادامه خواهد داشت.

رهبر انقلاب، تردیدافکنی برخی افراد در خصوص امکان مقابله با نظام پیشرفته، قوی و مسلطی همچون آمریکا را با توجه به تجربه موفق ۴۶ سال اخیر ملت ایران، صحیح ندانستند و گفتند: ملت ایران تا امروز در این مبارزه قطعاً موفق شده است که یک نشانه آن توانایی در تضعیف قدرت آمریکا است که با هبیت و تشر خود ملت‌ها را می‌ترساند و به عقب‌نشینی وادار می‌کند.

ایشان بیانیه تعداد زیادی از انجمن‌های علمی دانشجویان آمریکا علیه فرهنگ و تمدن غرب و اقدامات آمریکا و دفاع آنها از کشورها و ملت‌های مظلوم را نشانه‌های دیگر از موفقیت و پیشروی حرکت مقابله با استکبار خواندند و افزودند: این مبارزه روز به روز شدت خواهد یافت و ملت ایران و ملت‌های مظلوم و جبهه مقاومت نیز قطعاً پیشرفت خواهند کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای جنایات فجیع رژیم صهیونیستی در غزه و کشتار ۵۰ هزار تن که اکثر آنان زنان و کودکان هستند و فجایع کنونی در لبنان را که همگی با پشتیبانی و مشارکت وقیحانه و صریح تسلیحاتی و سیاسی آمریکا در حال انجام است، باعث رسوایی ادعاهای حقوق بشری آنها خواندند و گفتند: مبارزه با استکبار، مبارزه‌ای عقلانی، خردمندانه و منطبق با منطق بین‌المللی است.

ایشان با انتقاد از افرادی که به دنبال غیرمنطقی نشان دادن حرکت ملت ایران در مقابل استکبار هستند، افزودند: این افراد را متهم به خیانت نمی‌کنیم اما وقتی این حرکت صحیح، عقلانی و منطقی بر منطق بین‌المللی را غیرعقلانی جلوه می‌دهند، حد‌آقلش این است که کوتاه‌بین و کوتاه‌نظر هستند.

رهبر انقلاب عزیز بودن ملت ایران در افکار عمومی دنیا را با وجود تلاش‌های گسترده دستگاه‌های رسانه‌ای نظام سلطه، نشانه‌ای از اثرگذاری مبارزه موفق و منطقی جمهوری اسلامی دانستند و گفتند: اینکه پس از عملیات وعده صادق، مردم در خیابان‌های کشورهای مختلف شادی می‌کنند یعنی حرکت ملت ایران، مورد قبول منطق بین‌المللی و البته منطق اسلامی و قرآنی است.

ایشان استمرار این حرکت اصولی را بر اساس نقشه‌ای صحیح،

ضروری خواندند و افزودند: استمرار این حرکت در گرو پیشرفت علمی و فناوری و برخورداری از نقشه راه است که جوانان عزیز در سراسر کشور می‌توانند با تقویت فکری و علمی کشور به آن کمک کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه مسئولان و دست‌اندرکاران با امکانات موجود در حال تلاش همه‌جانبه هستند و به هیچ وجه کوتاه نمی‌آیند، گفتند: مطمئن باشید هیچ حرکت دشمن از جانب کسانی که به عنوان نماینده ملت ایران در حال تلاش برای مقابله با آن هستند، بی‌پاسخ گذاشته نمی‌شود و فراموش نخواهد شد و دشمنان چه رژیم صهیونیستی و چه ایالات متحده آمریکا در خصوص آنچه در قبال ملت ایران و جبهه مقاومت انجام می‌دهند، قطعاً پاسخ دندان‌شکنی دریافت خواهند کرد.

ایشان جنایات کنونی رژیم اشغالگر با کمک و دخالت و مشارکت آمریکا را باعث رنگ باختن کامل ادعاهای فربیکارانه «حقوق بشر آمریکایی» دانستند و افزودند: دنیا امروز متوجه شده است که مدعیان جنایتکار حقوق بشر که انسان‌های بزرگی همچون نصرالله، هنیه و سلیمانی را ترور می‌نامند، خودشان باند تروریستی و باند جنایتکار هستند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای وظیفه ملت‌ها در برابر این حجم از جنایت و فربیکاری را ایجاد حرکتی عمومی خواندند و گفتند: شما جوانان و دانش‌آموزان و دانشجویان باید با ارتباط و تماس با جوانان کشورهای اسلامی و منطقه و فراتر از منطقه، حقایق را برای آنها روشن و یادآوری کنید که باید حرکت عمومی و عظیمی علیه استکبار ایجاد شود.

رهبر انقلاب اسلامی در پایان خاطر نشان کردند: به توفیق الهی، با این حرکت اسلامی و انسانی، ملت ایران و جبهه مقاومت جایگاه خود را در دنیا پیدا خواهد کرد و قطعاً دشمن را شکست خواهد داد.

رهبر انقلاب همچنین در توصیه‌ای معنوی به نسل نوجوان و جوان، آنان را به ذکر و شکر الهی فراخواندند و افزودند: راه پیش رو، کوتاه و آسان نیست و لازم است شما جوانان عزیز با مناجات و دعا و توسل و انس با قرآن و شکر نعمت‌های الهی از جمله نعمت وجود یک نظام مبارز با باند‌های جنایتکار بین‌المللی، همت و معرفت و تلاش خود را برای ادای وظایف سنگین پیمودن این راه پر افتخار، افزایش دهید.

ایشان، بیداری، آمادگی و احساس توانایی جوانان را از دیگر نعمت‌های بزرگ الهی دانستند و افزودند: با استعانت پروردگار و استمداد از روح شهیدان عزیز و نورانی همچون سید حسن نصرالله، اسماعیل هنیه، سردار سلیمانی و یحیی سنوار، این راه را ادامه دهید.

تغییر در محاسبات رژیم صهیونیستی، ضرورتی انکارناپذیر

اکبر معصومی



روحیه مقاومت و ایستادگی مقابل دشمن و ... می‌تواند در شرایط فعلی محاسبات دشمن صهیونیستی را نسبت به جمهوری اسلامی ایران تقویت کند. البته نباید فراموش کرد که همه موارد مطرح شده در کشور وجود دارد که منظور نویسنده، رساندن آن ظرفیت‌ها به حداکثر ممکن می‌باشد.

این نکته نیز نباید فراموش شود که بخشی از محاسبات رژیم صهیونیستی در تجاوز بامداد شنبه تغییر کرد و آنها از وجود پدافندی قوی در کشور آگاه شدند. شاید نتانیاها و دولت‌ش قبل از تجاوز به ایران تصور می‌کردند همان عملیاتی را که می‌توانند در سوریه و لبنان انجام دهند می‌توانند در خاک کشورمان نیز انجام دهند و صنایع پدافندی کشور به قدری ابتدایی است که توان رویارویی با حملات صهیونیست‌ها را ندارد. پس از حملات بامداد شنبه، به احتمال زیاد صهیونیست‌ها متوجه شدند با چه سیستم هوشمند و مجهزی روبه‌رو هستند و نمی‌توانند به‌سادگی ایران را هدف حمله قرار دهند.

بعد منطقه‌ای

تقویت محور مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی می‌تواند معادلات رژیم صهیونیستی را بهم بزند. حمایت مستقیم و آشکار از مقاومت و همچنین تجهیز کرانه باختری باعث خواهد شد که صهیونیست‌ها به جای آنکه تصور کنند می‌توانند در تهران عملیات انجام دهند، به فکر مقابله با مقاومت در داخل سرزمین‌های اشغالی باشد. محور صهیونیستی - آمریکایی گمان می‌کردند در صورتی که به گروه‌های مقاومت در منطقه حمله شود، ایران پاسخ مناسب و درخوری به رژیم صهیونیستی نخواهد داد یا اینکه ترجیح می‌دهد بیرون از درگیری متحدهانش بایستد. "وعده صادق ۲" نشان داد ایران ابایی از این ندارد که به حمایت صریح و بی‌پرده از متحدانش در منطقه بپردازد و از این منظر اتفاقاً با همراهی افکار عمومی در داخل کشور نیز مواجه است. صهیونیست‌ها گمان می‌کردند

بعد داخلی

روند تحولات چند دهه اخیر، رژیم صهیونیستی را به این نقطه رسانده است که جمهوری اسلامی ایران قصد رویارویی مستقیم را با رژیم نداشته و ندارد. به نظر می‌رسد در مرحله اول علت این محاسبه رژیم صهیونیستی تفسیر غلط آنها از یک، صبر استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر باشد و دوم اینکه آنها تصور می‌کند اتفاقی مثل سال ۱۴۰۱، باعث تضعیف حاکمیت در ایران شده است. این تصور با ارتباط‌گیری صهیونیست‌ها با منافقین و سلطنت‌طلبان و ... به سبب مشاوره دادن آنها تقویت شد. آنها گمان می‌کنند افکار عمومی در ایران از این تنش بین ایران و اسرائیل استقبال نمی‌کند و حتی میزان ناراضی‌ت از نظام جمهوری اسلامی به حدی است که می‌تواند به صهیونیست‌ها در عملیات نظامی و روانی خود علیه ایران کمک کند.

عدم توجه مردم به عملیات نظامی صهیونیست‌ها در داخل کشور و همدلی و همراهی مردم با نظامیان کشورمان در ماجرای دفاع از کشور به آنها ثابت کرد در این مورد دچار خطای شدید محاسباتی هستند و از این پس نیز از این ناحیه قرار است شگفتی‌های زیادی را تجربه کنند، زیرا تاریخ ثابت کرده ایرانیان هر قدر در امور داخلی با یکدیگر اختلاف داشته باشند، در ضرورت حفاظت از کین و مرزهای کشور هیچ اختلافی با هم ندارند و در برابر دشمن به صورت ید واحد عمل می‌کنند. همین خطای محاسباتی بود که باعث شد نتانیاها پشت میز کارش بنشینند و ویدئویی ضبط کند از اینکه حمله اسرائیل به ایران به معنای تغییر نظام در کشورمان است! ویدئویی که صدای مخالفان نظام جمهوری اسلامی در خارج از مرزهای کشورمان را نیز درآورد و نشان داد حتی اگر برخی مخالف نظام جمهوری اسلامی هم باشند، از حمله به خاک کشورمان حمایت نمی‌کنند، مگر جماعتی قلیل که پروژه‌بگیر و نان‌خور صهیونیست‌ها هستند.

قویت وحدت و انسجام داخلی و مطالبه‌گری عمومی از تقویت توان نظامی و همچنین تلاش برای بهبود شرایط اقتصادی کشور که در سایه توجه به ظرفیت‌های داخلی امکان‌پذیر است، تقویت

تجاوز رژیم صهیونیستی به حریم جمهوری اسلامی ایران، اقدام بسیار خطرناکی بود که با همراهی و با ایجاد کریدور فضایی توسط ایالات متحده آمریکا در پایگاه نظامی اشغال شده در عراق صورت گرفت. حمله به خاک ایران که با سلاح و پشتیبانی آمریکا و با ارائه اطلاعات توسط انگلیس به رژیم صهیونیستی اتفاق افتاد، نشان داد که دشمن محور عبری - غربی نسبت به جمهوری اسلامی دچار خطای محاسباتی شدند؛ بنابراین در صورت عدم تغییر در محاسبات دشمن، این مدل تجاوزات دشمن را باید بیشتر تجربه کرد. مدل رفتاری رژیم صهیونیستی در گذشته نشان داده است که این رژیم در صورت دریافت سیگنال ضعیف، مصمم به ضربه زدن به طرف مقابل بر می‌آید.

واضح‌تر اینکه هیچگاه روند سازش کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی، نه تنها مایع آرامش، امنیت و پیشرفت برای آنها نشده است، بلکه وابستگی برخی از دول سازشگر عرب به غرب و حس حقارت آنها مقابل صهیونیست‌ها بیشتر شده است؛ بنابراین پرواضح است که ایران نباید اجازه ایجاد فضای جدیدی بدهد که در آن محور آمریکایی - صهیونیستی بخواهد معادلات منطقه غرب آسیا را مبتنی بر "خاورمیانه جدید" با هدف تضعیف قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران را ترسیم کنند؛ بنابراین تغییر محاسبات دشمن باید اولویت نخست جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد.

در همین زمینه رهبر انقلاب در دیدار خانواده‌های شهدای امنیت، با اشاره به حملات بامداد شنبه رژیم صهیونیستی علیه کشورمان خاطر نشان کردند: "رژیم نسبت به ایران دچار خطای محاسباتی است و بایستی خطای محاسباتی رژیم صهیونیستی به هم بخورد." ایشان در بیاناتشان یادآور شدند: "این‌ها ایران را نمی‌شناسند، جوانان ایران را نمی‌شناسند، ملت ایران را نمی‌شناسند، قدرت و توانایی و ابتکار و اراده ملت ایران را هنوز درست نتوانسته‌اند بفهمند؛ این را ما باید به اینها بفهمانیم." از این رو تغییر در محاسبات دشمن در دو بعد داخلی و بیرونی می‌تواند اتفاق بیفتد:

رضاعلامی

امام و ایستادگی در برابر استکبار

آن اندیشه محوری امام(ره) که در گذشته خیلی وضوح داشت؛ بحث استکبارستیزی و در رأس آن آمریکاستیزی به معنای دقیق کلمه بود. امام(ره) واقعا آمریکا را شیطان بزرگ می‌دانستند. شما در برابر شیطان بزرگ خم می‌شوید و می‌گویید ارباب! ما را قبول کن یا با آن مقابله و مبارزه می‌کنی؟ اینکه امام(ره) می‌فرمایند آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، شعار صرف نیست، واقعا به آن باور دارند. زیرا ماهیت و ذات باطل، یک ذات سست و شکننده مثل خانه عنکبوت است. امام(ره) به این یقین دارد. تمام احرار و مستضعفین جهان را برای مبارزه با استکبار جهانی و در رأس آن، آمریکا دعوت می‌کنند. در همین چند دهه که هر کجا در دنیا جنگ، جنایت و تروری رخ داده، یکی از مهمترین عوامل آشکارش، آمریکا بوده است.

اندیشه محوری دیگر امام(ره) استقلال است. فرمایشی از امام(ره) پیدا نمی‌کنید که استقلال در آن نباشد. مثلا راجع به دانشگاه‌ها که بحث مهمی است، می‌فرمایند ما دانشگاهی می‌خواهیم داشته باشیم که در خدمت خود ملت باشد. نه اینکه دانشگاهی که بگوید رو به تمدن می‌خواهیم برویم، ولی از همه لحاظ وابسته است. ما با آن دانشگاه از اساس مخالفیم. ما متخصص می‌خواهیم. اسلام با تخصص مخالف نیست. دعوت کرده که حتی از کافران هم علم را بگیرد. اما باید این علم در خدمت ملت و کشور باشد. امام(ره) هیچ ضدیتی با تمدن و پیشرفت فناوری ندارد بلکه با خودتان باشید، یک کشور خودکفا باشید، باید از سوغات‌هایی که برای ما می‌فرستند، بر حذر باشید. ما با صنعت و علم غرب مخالف نیستیم. اصلا این‌طور نیست. ما با آن آزادی غربی که بی حد و حصر باشد، مخالفیم. منظور از خودکفایی، خودکفایی است. اینکه تولید فلان کالا در داخل صرفه اقتصادی ندارد، به این معنا نیست که قادر به تولید آن نیستیم.

بحث دیگر امام(ره)، بحث اسلام سیاسی است. امام پایه‌گذاری اسلام سیاسی را کرد و ولایت فقیه را پایه اسلام سیاسی می‌داند، آن هم اسلامی شدن بر اساس اسلام ناب نه اسلامی شدن بر اساس اسلام آمریکایی. اسلام آمریکایی، اسلام جاهلان و متحجرین است که امام با آن مبارزه می‌کند و چه آن اسلام غرب‌زده و مقهور غرب. نمی‌خواهد مردم را فقط به سمت آخرت و گسستن از دنیا، دعوت کند. نمی‌شود اسلام از این دنیا بگذرد و اداره دنیا را به بیگانگان بدهد. این اسلام، اسلام آمریکایی است.

محور بعدی، امام و انقلابی‌گری است. بعضی افراد می‌گویند انقلابی‌گری را کنار بگذاریم، معقول رفتار کنیم، انقلاب مال دهه ۶۰ بود دیگر اینها با منافع ملی و پیشرفت کشور مطابقت ندارند. اصلا از اندیشه‌های امام چنین چیزی نمی‌توانید بیرون بیاورید. مگر می‌شود انسان باور انقلابی داشته باشد ولی روحیه انقلابی نداشته باشد؟ این روحیه است که توانسته کشور را از آسیب‌ها

حجت‌الاسلام رضا غلامی در نشست اندیشه‌های «امام و ایستادگی در برابر استکبار» که در کانون اندیشه جوان، برگزار شده بود با اشاره به اینکه امروز شاهد شکل‌گیری یک خط تحریفی راجع به امام(ره) هستیم، گفت: عده‌ای در جهت دستیابی به منافع خودشان و دستیابی به امیال جاه‌طلبانه‌شان، به تحریف آرا و مواضع امام(ره) پرداخته و تلاش می‌کنند نزد نسل جدید راجع به امام(ره) یک دوگانگی و تعارض به وجود بیاورند. در ادامه بخش‌های از این جلسه را می‌خوانیم.

غلامی در ادامه افزودند: یکی از بحث‌های بسیار اصولی که در فرمایشات حضرت امام(ره) به وفور دیده می‌شود، غرب ستیزی و ضدیت با لیبرالیسم است. سراسر فرمایشات حضرت امام(ره) پر است از این ضدیت. امثال این گفته‌ها بسیار در فرمایشات حضرت امام(ره) دیده می‌شود. مثلا امام(ره) می‌فرمایند مراقب باشید که سیاست بازان پیوسته به شرق و غرب، با وسوسه‌های شیطانی، شما را به شرق و غرب نکشانند. عده‌ای درباره مسائل فرهنگی قضاوت می‌کنند. امام(ره) می‌فرماید همه ما مکلفیم که مردم را به راه مستقیم هدایت کنیم. اینکه بگوییم بگذارید همه چیز خودش اتفاق بیفتد، کجای فرمایشات امام(ره) است؟ امام(ره) می‌فرمایند تمام ناروایی‌ها، ظلمت است. تمام عقب افتادگی‌ها و غرب زدگی‌ها ظلمت است. اینهایی که توجه‌شان به اجانب است و رو به غرب توجه دارند، به ظلمت فرو رفته‌اند، اولیای‌شان هم ظلمت است.

به هیچ عنوان انس و الفتی بین اندیشه‌های امام و کسانی که لیبرالی می‌اندیشند، وجود ندارد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند اگر امام نبود در همان بدو انقلاب آنها استبداد را در کشور می‌آوردند. همان‌هایی که در انقلاب مشروطه، شیخ فضل الله نوری را در میدان توپخانه دار زند و استبداد رضاخانی را که بدتر از استبداد قجری بود، در ایران حاکم کردند. استبداد جدید به مراتب خطرناک‌تر از استبداد گذشته است. امام نگذاشت استبداد با روپوشی متفاوت و با یک عوام فریبی، دوباره در جامعه حاکم شود. کاری که در مصر کردند. استبداد را به نام آزادی و لیبرالیسم برمی‌گرداندند. امام(ره) در نامه‌ای که به منتظری می‌نویسد اظهار نگرانی می‌کند. مصداق نامحرمان، همین لیبرال‌هایی هستند که امام(ره) همیشه راجع به آنها تذکر می‌دادند که اگر این نامحرمان بر انقلاب مسلط شوند، انقلاب را از مسیر خودش منحرف می‌کنند.

امام(ره) راجع به آمریکا و استکبار جهانی هیچ رودریاستی ندارند و از مبارزه با استکبار جهانی و بحث حمایت از مستضعفین هیچ‌گاه کوتاه نمی‌آیندند. امام می‌فرمودند هیئت، خمینی در برابر تجاوز دیوسیرتان و کافران به پیروان حضرت محمد(ص) و ادیان ابراهیمی کوتاهی نکنند. من خون خود را برای ادای حق و فریضه حق اهدا می‌کنم و آماده شهادتم. اگر یکه و تنها هم بمانم، به مبارزه با ظلم، شرک و بت پرستی ادامه می‌دهم. با کمک بسیجیان، خواب خوش را از ستمگران سلب خواهیم کرد.

استکبارستیزی قرآنی، مقطعی و فصلی نیست

محمدعابدی

حجت‌الاسلام محمد عابدی، عضو هیأت علمی گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در گفت‌وگو با ایکن؛ با اشاره به فرارسیدن ۱۳ آبان، روز ملی مبارزه با استکبار به بحثی قرآنی در مقوله استکبار پرداخت و گفت: استکبارستیزی و برتری‌جویی از مطالب مهمی است که در فضای گفت‌وگویی قرآنی به آن پرداخته شده و قرآن کریم به شدت علیه استکبار و به نفع استکبارستیزی موضع گرفته است و تلاش برخاسته از فرهنگ قرآنی امام خمینی(ره) هم این بود که ملت ایران را از تداوم رابطه مستضعف و مستکبری برهاند.

عابدی در مورد رابطه استکباری «مخلوق با خالق» به رابطه‌ای که شیطان برای خود با خداوند تعریف کرده، توجه داد و افزود: در مورد شیطان و رابطه‌اش با خداوند، آیه «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره/۳۴) نشان دهنده نوع رابطه استکباری او حتی در مقابل خداوند به طور مستقیم است؛ اما نمونه بارز رابطه استکباری «مخلوق با مخلوق» هم، فرعون است و این رابطه استکباری به جای می‌رسد که حتی جنسیت فرزندان هم توسط مستکبران م مطابق مصالح آنان تعیین می‌شود و ابراهیمی که تولدش مخالف مصالح سیاسی آنان و نه مصالح الهی حاکمیت است، باید کشته شود.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه با بیان اینکه آیات قرآن آکنده از مصادیق استکبار و مبارزه با آن است، تصریح کرد: به عنوان نمونه می‌توان به آیه «وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِنَا تُلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مَّجْرُمِينَ» (جاثیه/۳۱) اشاره کرد یا این سخن خداوند که: «... أَفَكَلَمَّا جَاءَكُمْ رَسُولٌ مَّا لَا تُهَوُّوْا أَنْفُسَكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَرَفِقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ» (بقره/۸۷) مطابق آیات قرآن هر بار پیامبری برای آنان می‌فرستاد که مخالف هواهای نفسانی آنان بود با او به مقابله و مبارزه می‌پرداختند و ریشه مقابله آنان با پیامبران هم در استکبار آنان بود.

عابدی بیان کرد: در داستان قوم عاد نیز فرمود: «فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أُولَئِكَ هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَانُوا مُجْرِمِينَ» (فصلت/۱۵) بنابراین فرهنگ قرآنی رابطه انسان و خدا را رابطه مخلوق و



نجات دهد. مردم ما روحیه انقلابی دارند اجازه نمی‌دهند استکبار کوچکترین خدشه‌ای به انقلاب ما وارد کنند. سبک زندگی غربی باعث می‌شود که افراد بی حس و بی تفاوت شوند. سبک زندگی غربی نقطه مقابل بصیرت و هوشمندی سیاسی است که جوانان ما را به انقلاب بی تفاوت می‌کند. مطلب دیگر امام(ره) حمایت از پاهرنگان و مستضعفان است. امام(ره) می‌فرمایند باید همه تلاشمان را بکنیم تا آنجا که ممکن است خط اصولی حمایت از مستضعفین را حفظ کنیم. باید کوشش کنیم اخلاق کاخ نشینی را از این ملت بزدااییم. مستضعفین ولی نعمت ما هستند، با این جمله مشهور امام(ره) که یک موی سر این کوخ نشینان و شهید دادگان به همه کاخ‌ها و کاخ نشینان شرف و برتری دارد. ایشان در نهایت سادگی در جماران زندگی کردند و به این زندگی افتخار می‌کردند.

وظیفه و رسالت داریم که اسلام را به دنیا صادر کنیم. اینکه بعضی‌ها می‌گویند این چه کاری است که ما با آمریکا و سعودی‌ها در بیفتیم، اما امام(ره) می‌فرمودند جهانی شدن اسلام جزء اهداف اصلی انقلاب است. انقلاب اسلامی ما مبارزه با دکماتیسیم می‌خواهد خود را صادر کند و دنبال کشورگشایی نیست. قابلیت‌ها و ظرفیت‌های این پیام، مردم جهان را تشنه آن کرده است که زندگی را برای ایشان بامعنا کند و بی عدالتی را از بین ببرد. پیام انقلاب اسلامی چون قیام در برابر این بی‌عدالتی‌ها است در گوشه دل و جان مردم می‌نشیند.

حجت الاسلام غلامی در آخر با تأکید به این نکته امام(ره) که می‌فرمایند: تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها بدانند که تا آخرین نفر، منزل و قطره خون برای اعتلای کلمه الله ایستاده‌ایم، گفت: این تصور که انقلاب به حاشیه برود و رنگ اسلام، در نسل جدید تضعیف شود را باید به گور ببریم. اگر امروز خدای نکرده به کشور ما تجاویز صورت گیرد و جنگی رخ دهد، به مراتب جوانان ما قوی‌تر از جوانان دهه ۶۰ مجاهدانه و عاشقانه با توطئه‌ها مقابله می‌کنند و تا آخرین قطره خون در مقابل حرکت زورمدارانه عالم می‌ایستند. هیچ چیزی برای ما شیرین‌تر از این نیست که برای انقلاب جان ناقابل خود را هدیه کنیم.



وی با اشاره به تعبیر امام خمینی مبنی بر اینکه «ما رابطه با آمریکا برقرار نمی‌کنیم مگر اینکه آدم شود» بیان کرد: امام رابطه با آمریکا را به اصلاح سیستم «نا ربکم الاعلی» به نظام «سبح اسم ربک الاعلی»، منوط می‌کند، بنابراین تقابل میان ما و آمریکا تقابل دو دولت و کشور و جامعه نیست بلکه تقابل دو گفتمان و فرهنگ است؛ فرهنگی که از یک طرف برآمده از قرآن و قائل به تسلط روابط الهی بر همه ساختارهاست و در سوی دیگر، مبتنی بر سلطه و اعمال منافع فردی و دنیوی ملی و فراملی(فارغ از لحاظ خواست الهی) بر دیگران است.

عابدی تصریح کرد: آنچه مورد پذیرش اسلام است این است که در روابط ما با دیگران نه زیر بار ظلم می‌رویم و نه به کسی ظلم می‌کنیم؛ قرآن به ما اجازه می‌دهد که از برتری‌ها و پیشرفت‌های دیگران بهره ببریم ولی تا جایی که باعث سلطه آنان بر مسلمین نشود به همین دلیل شاهدیم که امام فرمودند اگر ما را تحریم کنید ما فرزند رضانیم؛ بنابراین پیشرفت به بهای زیر بیرق کفر و استکبار رفتن مورد پذیرش دین نیست.

عابدی با بیان اینکه همه از جمله ما و دیگر کشورها دنبال برتر بودن در دنیا هستند، عنوان کرد: برتر بودن، بد نیست بلکه این برتری باید بر معیار «سبح اسم ربک الاعلی» و نه «نا ربکم الاعلی» باشد؛ خدا کبیر و اکبر است و اگر فرد و نظام سیاسی و اقتصادی و علمی ... در نظامات فردی و اجتماعی خود، در قوانین و اجرای امور و قضا و نظارت خود، متصل به آن قدرت کبیر و اکبر باشد، بزرگ واقعی است، در غیر این صورت بزرگ دروغین است.

ایستگاه خیابان روزولت

روایتی مستند از تسخیر سفارت آمریکا در تهران

محمد مجیدی

روایت تسخیر؛ جامع، خواندنی و قابل اعتماد

محسن سام

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اخیراً پس از مطالعه‌ی کتاب «ایستگاه خیابان روزولت» که روایتی از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا با استفاده از اسناد به دست آمده از سفارت است، تقریظی نگاشته‌اند که در آستانه‌ی سالگرد ۱۳ آبان منتشر شد. متن تقریظ رهبر انقلاب اسلامی بر این کتاب به شرح زیر است:

بسم‌تعلی

این، گزارشی متقن و پرفایده از یک حادثه‌ی مهم در تاریخ انقلاب یعنی تسخیر لانه‌ی جاسوسی در سال ۵۸ است.

این کتاب پُرکننده‌ی یکی از خلأهای رسانه‌ی تبلیغاتی ما است. ما به جنگ روایتها در پیکارهای جهانی توجه لازم را نکرده‌ایم و دشمنان و بدخواهان ما از غفلت ما بهره برده و بسیاری از حوادث را وارونه نشان داده‌اند. باید از نویسنده‌ی این کتاب و تلاش ارزشمندش قدردانی شود بخاطر اقدام هشیارانه‌اش در این عرصه‌ی مهم. نثر کتاب روان و رسا و تحقیق و تحلیل‌های آن منطقی و صادقانه و قانع‌کننده است.

«ایستگاه خیابان روزولت» از کتاب‌های مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی است که زمستان ۱۴۰۲ روانه بازار نشر شده و به روایتی مستند از تسخیر سفارت آمریکا در تهران پرداخته است.

آبان امسال (۱۴۰۳)، چهل و پنج سال از واقعه‌ی تسخیر سفارت آمریکا می‌گذرد و البته جای تعجب دارد که چرا تا سال گذشته، هنوز یک اثر تحقیقی و روایی خوب از واقعه‌ی مذکور، با چاشنی روایت از زاویه‌ی دید ایرانی، وجود خارجی نداشت. در سال گذشته، به ناگاه، و در سکوت کامل خبری، بالاخره کتابی به زبان فارسی و از زاویه‌ی نگاه یک محقق ایرانی منتشر شده است که می‌توان آن را جامع‌ترین، تحقیقی‌ترین و تحلیلی‌ترین اثر تا به اینجانب - درباره واقعه‌ی تسخیر لانه‌جاسوسی آمریکا در ایران بدانیم.

نویسنده‌ی اثر با داشتن سابقه‌ی طولانی در پژوهش و تتبع موضوعات و سناد تاریخی، و انتشار چندین کتاب در حوزه‌های مختلف امنیتی و سیاسی، از معیارهای خود نیز فراتر رفته و در اثر حاضر، «ایستگاه خیابان روزولت» (روایتی مستند از تسخیر سفارت آمریکا در تهران)، جلوه‌ی دیگری از توان تحقیقاتی و ذوق تحلیلی خود را به نمایش گذاشته است.

ایستگاه خیابان روزولت، در بیان جزئیات رویدادها دقیق عمل کرده است. آنچه‌ان که اگر یک داستان‌نویس یا نویسنده‌ی فیلم‌نامه بخواهد تنها به یک منبع مراجعه کند تا قصه‌ی تسخیر را بنویسد، همین یک کتاب برای او کافی خواهد بود.

ارزشمندی دیگر این کتاب، تجزیه و تحلیل اسناد لانه جاسوسی آمریکا است. آنچه از اسناد لانه باقی ماند، حجم قابل توجهی از اسناد محرمانه بود که با کوشش دانشجویان پیرو خط امام (واحد اسناد)، احیا، بازسازی و ترجمه شد. این اسناد، در سالیان نخست، بیشتر در امر افشای افراد و گروه‌های همدست و همفکر با آمریکایی‌ها در داخل کشور استفاده شد. کار قابل توجهی که در کتاب حاضر انجام شده، استخراج اطلاعات روایی و تحلیلی از مسائل مختلف است که نشان می‌دهد این گنجینه‌ی دست‌نخورده، تا چه اندازه ارزشمند و پر اطلاعات می‌باشد و البته باید از این دست‌نخورده‌ی تاکنون افسوس خورد.

در برخی فرازهای کتاب حاضر، می‌توان ردپای حضور آیت‌الله خامنه‌ای در برخی حوادث مرتبط با تسخیر سفارت آمریکا را نیز جستجو و پیدا کرد. روحانی انقلابی و عضو شورای انقلاب، البته در هنگام وقوع حادثه در ایران نبود و اعمال حج ابراهیمی را در حجاز به جا می‌آورد. ایشان، به مجرد شنیدن خبر وقوع حادثه، به گمان آنکه این بار هم جمعی از وابستگان به گروه‌های چپ کمونیستی در این اقدام مشارکت داشته‌اند، موضعی توأم با بدبینی و نگرانی اتخاذ می‌کند اما با اعلام نظر حمایتی امام رضوان‌الله علیه و افشای ماهیت خط امامی دانشجویان تسخیرکننده، به جمع پشتیبانان این اقدام انقلابی می‌پیوندد.

ایستگاه خیابان روزولت (روایتی مستند از تسخیر سفارت آمریکا در تهران)، حاصل طبع بلند، هوش پژوهشی و قلم روان محمد محبوبی است که چاپ نخست آن در سال ۱۴۰۲، و با همت و حمایت مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی منتشر شده است. این کتاب، علی‌رغم آن که از لحاظ پژوهشی و معیارهای علمی، رتبه‌ی بالایی را احراز می‌کند، از نظر روایی و لطف کلام نیز، خواندنی و جذاب نوشته شده است. مواجهه با این روایت تحقیقی، برای نخبگان، سیاستمداران و آحاد جامعه، - به ویژه جوانان - شیرین، لذت‌بخش و البته درس‌آموز خواهد بود.

ماشین کشتار خسته و در بن بست



می‌بینند. تنها در محله‌ی الزیتون، آن‌ها سه بار آنجا بوده‌اند! آن‌ها می‌دانند که این کار بیهوده است.»

سربازان «سیاه»

این رسانه‌ی صهیونیستی اضافه می‌کند: «زمانی که مجبور شدند به مکان‌هایی که قبلاً آنجا بوده‌اند — مانند جبلیه، زیتون، و شجاعیه — برگردند، این موضوع نمایان شد. سربازان، پس از دوازده ماه متوالی از جنگی که نسبت به آن احساس بی‌هدف بودن می‌کنند، خود را «سیاه» توصیف می‌کنند؛ یک اصطلاح عامیانه‌ی نظامی برای احساس افسردگی، خستگی و تخلیه‌ی انگیزه. امروز، انگیزه صفر است.»

این گزارش، وضعیتی را که سربازان صهیونیست در غزه با آن روبه‌رو هستند این‌طور توصیف می‌کند: «تنها موسیقی‌ای که آن‌ها می‌شنوند صدای بمب‌های نیروی هوایی است. هوا بوی مرگ و زوال می‌دهد. آن‌ها احساس می‌کنند ارتش، آن‌ها را رها کرده است و با آن‌ها مانند ابزاری صرف در مسیر "پیروزی مطلق" رفتار می‌شود.» این گزارش با جمله‌ای قابل تأمل از یک سرباز رژیم به پایان می‌رسد: «گر وضعیت به‌زودی بهبود نیابد، اندک بادِ باقیمانده در بادبان‌های ما نیز از بین می‌رود.»

کشتار غیرنظامیان و دیگر هیچ

این‌ها تنها گوشه‌هایی از واقعیت‌های وضعیتی ارتش رژیم صهیونیستی در این جنگ است؛ جنگی که رژیم در روی زمین به بن‌بست راهبردی رسیده و تنها ابزاری که در دست دارد بمباران وحشیانه‌ی هوایی و کشتار بی‌امان مردم بی‌پناه است؛ مسیری که تا کنون به قتل‌عام حدود پنجاه هزار نفر مردمی که بیشتر آنان زنان و کودکان مظلوم هستند انجامیده و با هیچ منطق و نگاهی نمی‌توان آن را پیروزی نظامی نامید.

البته از رژیمی که با ارباب و ترور متولد شده است، غیر از این هم انتظاری نباید داشت. آنان هفت دهه با راهبرد وحشت‌آفرینی به تجاوز و اشغال ادامه داده‌اند و کاری جز این بلد نیستند. مشکل آن‌ها آنجا است که امروز با نسلی از مبارزان و رزمندگان در فلسطین، لبنان، یمن، عراق، سوریه و البته ایران مواجه هستند که شهادت در راه قدس را افتخار می‌دانند و از سگ‌هار آمریکا در منطقه هراسی ندارند. (خط حزب‌الله)

واقعیت‌هایی کمتر شنیده‌شده از میدان نبرد با رژیم صهیونی

رهبر انقلاب در پیامی که به مناسبت شهادت یحیی سنوار، فرمانده اسطوره‌ای مقاومت، خطاب به ملت‌های مسلمان و جوانان غیور منطقه صادر کردند، فرمودند: «مجاهد قهرمان، فرمانده یحیی السنوار، به یاران شهیدش پیوست. او چهره‌ی درخشان مقاومت و مجاهدت بود؛ با عزم پولادین، در برابر دشمن ظالم و متجاوز ایستاد؛ با تدبیر و شجاعت به او سیلی زد؛ ضربه‌ی جبران‌ناپذیر هفتم اکتبر را در تاریخ این منطقه به یادگار گذاشت و آنگاه با عزت و سربلندی به معراج شهیدان پرواز کرد. کسی چون او که عمری را به مبارزه با دشمن غاصب و ظالم گذرانده است، سرانجامی جز شهادت شایسته‌ی او نیست. فقدان او برای جبهه‌ی مقاومت البته دردناک است، ولی این جبهه با شهادت برجستگی چون شیخ احمد یاسین، فتحی شقافی، رنتیسی و اسماعیل هنیّه از پیشروی بازماند، و با شهادت سنوار هم کمترین توفیقی نخواهد داشت؛ باذن‌الله. حماس زنده است و زنده خواهد ماند.»

شاید بتوان گفت مهم‌ترین نکته‌ی این پیام جمله‌ی پایانی آن است: «حماس زنده است و زنده خواهد ماند.» یکی از اهداف صریح و اعلامی رژیم صهیونیستی از آغاز جنگ نابرابر غزه، نابودی حماس بود؛ هدفی که با گذشت بیش از یک سال و علی‌رغم تمام جنایت‌ها و خیانت‌های تاریخی صهیونیست‌ها در باریکه‌ی کوچک و تحت محاصره‌ی غزه، محقق نشده است.

فرماندهی که اسطوره شد

شهادت سنوار، برخلاف آنچه صهیونیست‌ها تصور می‌کردند، نه‌تنها به تضعیف مقاومت فلسطین در غزه منجر نشد بلکه تصویر و روایتی که از شهادت غرورآفرین این فرمانده به دنیا مخابره شد، خود به معضل و چالشی بزرگ برای این رژیم تبدیل شد. صهیونیست‌ها در یک سال اخیر مدعی بودند یحیی سنوار در تونل‌های زیرزمینی غزه پنهان شده و از اسرای صهیونیست به عنوان سپر انسانی برای محافظت از خود استفاده می‌کند، اما در نهایت مشخص شد او لباس رزم بر تن داشته و در میدان نبرد حاضر بوده و علی‌رغم جراحت شدید، تا آخرین نفس و به شکلی کم‌نظیر ایستادگی کرده است. چنین مقاومتی روحیه‌ای مضاعف به رزمندگان کل جبهه‌ی مقاومت و به‌خصوص مبارزان غزه تزریق کرد و نشان داد تبلیغات و شایعات رژیم در خصوص جبهه‌ی مقاومت در غزه چقدر پوچ و توخالی است.

اعتراف روزنامه‌ی آمریکایی

این موضوع چنان واضح و آشکار بود که حتی رسانه‌های بین‌المللی را نیز وادار به اعتراف کرد. در همین زمینه، روزنامه‌ی نیویورک تایمز در گزارشی تأکید کرد که حماس ویدئویی منتشر کرد که نشان می‌داد مبارزان این جنبش یک موشک منفجرنشده‌ی اسرائیلی را به یک بمب تبدیل کرده‌اند. این روزنامه اشاره کرد که بعید است شهادت یحیی سنوار بر قدرت و توان مبارزان حماس در شمال غزه تأثیری بگذارد.



نتانیا هوو احتمال هلاکت از درون

رضاصارمی

بنیامین نتانیا هوو، نهمین نخست‌وزیر باند جنایتکار صهیونیستی که در ۱۹۶۷ میلادی از فیلادلفیای آمریکا جهت پیوستن به ارتش نسل کش صهیونیستی به سرزمین‌های اشغالی بازگشت را می‌توانیم به عنوان «خون‌آشام‌ترین نسل‌کش هزاره‌ی سوم» مورد شناسایی قرار دهیم. خون‌آشامی که رکورد طولانی‌ترین دوره تصدی نخست‌وزیری در سرزمین‌های اشغالی را در اختیار دارد. نکته قابل توجه و اوج ارتشا و کلاهبرداری نتانیا هوو، این آبرجانی هزاره سوم، آنجا بود که در سال ۱۹۹۹ میلادی، کتاب «صلح پایدار» را تألیف و منتشر نمود! شاید بتوان تنها فردی که جنایت‌هایش در طول تاریخ معاصر جهان با نتانیا هوو قابل مقایسه است را آدولف هیتلر بدانیم؛ البته شاید بعد از این قیاس، بهتر باشد که از هیتلر به خاطر این اهانت عذرخواهی نماییم. تنها از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ به بعد، این موجود شیطان‌صفت، موجب کشته شدن حداقل ۴۳ هزار نفر و مفقودالتر شدن حداقل ۱۰ هزار نفر گشته است، آنچه که در این آمار مورد تأکید است، استفاده از واژه «حداقل» در خصوص ارقام است و قطعاً آمار واقعی، بسیار فراتر از این اعداد است. آنچه که این نسل‌کشی تاریخی را برای نتانیا هوو بسیار پرهزینه و پرچالش ساخت، ایجاد جهانی یافتن، این آبرجنایت بود. امروز دیگر هیچ نقطه‌ای از مساحت ۵۱۰ میلیون و ۱۰۰ هزار کیلومتر مربعی کره زمین وجود ندارد که در آن صدای انزجار و نفرت از نتانیا هوو و باند جنایتکار صهیونیستی به گوش نرسد. این متأثر شدن قلوب مردم جهان از مظلومیت انسان‌ها در غزه و لبنان، موجب شده است که حتی برخی از سیاسیون غربی نیز مجبور گردند هرچند به ظاهر، از نتانیا هوو حمایت علنی نکنند.

در دل سرزمین‌های اشغالی نیز، هر روز شاهد تظاهرات گسترده در اعتراض به سیاست‌ها و اقدامات «بی‌بی» هستیم. بر اساس واقعیت‌های موجود، آنچه که امروز بر خود آمریکایی‌ها و صهیونیسم جهانی نیز پز واضح است، این واقعیت است که نتانیا هوو جز هزینه، دردسر و ضرر، برایشان هیچ سود و منفعتی نخواهد داشت؛ لذا احتمال آن وجود دارد که در هیئت‌های اندیشه‌ورزی خود، در انتها به این تصمیم برسند که در شرایط موجود راهی جز حذف فیزیکی این «عنصر اضافه و هزینه‌ساز» وجود ندارد و این حذف کردن فیزیکی را با به کار بردن نهایت ظرافت انجام خواهند داد، به طوری که نمود جهانی و رسانه‌ای آن، «یک مرگ پر ابهام» باشد. البته این اتفاق به شرطی خواهد افتاد که قبل از رسیدن به آن روز، حق‌طلبان و مدافعان جهان‌گستر مردم مظلوم غزه و لبنان که برای ریختن خون نجس نتانیا هوو، امروز تشنه‌تر از همیشه هستند، نتانیا هوو افقی را تحویل اربابان آمریکایی‌اش ندهند!

موشک‌های ایران «اروپازن» می‌شود



باز شدن پای تهدید ایران و دسترسی موشکی کشورمان به اروپا به عنوان یک «مجموعه دشمن» هزینه‌های اضافی وحشتناکی را به این کشورها تحمیل خواهد کرد که به سادگی و به راحتی نمی‌تواند از پس آن بر بیایند. شاید عملیات وعده صادق ۲ به کشورهای اروپایی به عنوان بخشی از طرف‌های مشارکت‌کننده در پوشش هوایی رژیم موقت به آن‌ها هزینه وحشتناک مقابله با موشک‌ها را متذکر شده باشد.

این روزها، آمریکا به عنوان سردمدار ناتو که نقش اصلی را در دفاع از اروپا بر عهده داشته (دقت کنید، داشته و نه دارد) نگاهش به سمت شرق آسیا معطوف شده و عملاً دارد آن جبهه را تقویت می‌کند. هزینه‌های ایجاد یک سپر موشکی برای مقابله با موشک‌های ایرانی و غیرقابل محاسبه است؛ آمریکا برای هر تیر موشک استاندارد ۳ بیش از ۲۹ میلیون دلار هزینه می‌کند و این عدد برای موشک‌های سامانه تاد نیز در مدل‌های مختلف از سه تا ۷ میلیون دلار است. حالا در نظر بگیرید که اروپایی‌ها قدرت ساخت هیچ موشکی را هم ندارند و می‌خواهند از آمریکا خرید کنند!

برای خرید این سامانه‌ها و توسعه زیرساخت‌هایی جهت تولید برخی تجهیزات، اروپایی‌ها باید از ردیف‌های بودجه‌ای دیگر شامل بهداشت، آموزش، یارانه‌های کشاورزی و خدماتی بزنند... دیگر نیازی به توضیح نیست که ایران هر تیر موشک را به شکل ریالی و با قیمت تمام شده تحویل می‌گیرد که نهایتاً ۲۰۰ هزار دلار آب می‌خورد و برای مقابله با یک موشک ۲۰۰ هزار دلاری اگر دو تیر موشک تاد هم شلیک شود، عددی بیش از ۱۰ میلیون دلار باید هزینه گردد. با این تفاوت که انبار موشکی ایران پایانی ندارد و ذخایر چنین موشک‌هایی در اروپا خیلی زود به پایان می‌رسد.

لحاظ برد در حوزه موشکی هیچ محدودیتی ندارد و محدودیت در سیاست و شرایط اعمال کرده‌اند، با این حال این شرایط به سرعت قابلیت تغییر دارند و ایران نیز می‌تواند خود را با آن منطبق کند. متأسفانه رفتارها و اقدامات کشورهای اروپایی در طول دو دهه گذشته که زمانی شریک نخست ایران در تجارت بودند و امروز به دشمن نخست ایران در هر حوزه‌ای رسیده‌اند، نشان از آن دارد که اروپا دیگر روی آرامش را نخواهد دید. شاید این دو سه کلمه که «اروپا روی آرامش را نخواهد دید» در ظاهر خنده‌دار باشد - به ویژه برای کسانی که الفبای مسائل راهبردی را نمی‌دانند و همه چیز را با کلاه این و آن قضاوت می‌کنند - اما پرواضح است که اعلام مکرر این موضوع که بالا رفتن برد موشک‌های ایرانی پاسخی به رفتارها و کردارهای کشورهای اروپایی هست، خود به اندازه کافی گویا و روشن است.

نکته‌ای که شاید کمتر کسی به آن توجه کند، هزینه‌های این افزایش برد موشکی برای اروپایی‌ها است. آن‌ها در طول ۳۲ ماه گذشته و جنگ خود علیه روسیه در اوکراین و همچنین حملات موشکی ایران به سرزمین‌های اشغالی به خوبی متوجه شده‌اند که در برابر قدرت موشکی هیچ کشوری نمی‌تواند به راحتی و به سادگی ایستادگی کند. اروپا قاره‌ای کوچک است که مساحت ۷ کشور آلمان، ایتالیا، فرانسه، سوئیس، انگلیس، هلند و بلژیک حتی از ایران کمتر بوده و هر حمله‌ای در هر ابعادی می‌تواند باعث آسیب‌های بسیار جدی به اقتصاد و امنیت این کشورها گردد.

اجازه دهید در این زمینه یک مثال ساده بزنم؛ در حالی که با جنگ ناتو علیه روسیه در اوکراین کشورهای اروپایی ناچار شدند تا بودجه‌های نظامی خود را به شکل تصاعدی افزایش دهند تا شاید بتوانند در برابر قدرت نظامی و سهمگین روس‌ها مقاومت کنند؛

کریم جعفری

در تحلیلی که بر سخنان راهبردی و مهم فرماندهی کل قوا نوشتم، بر این مهم تأکید داشتم که ایران می‌خواهد در دکتورین موشکی خود در وهله اول و بسته به نوع رفتار و اقدامات غربی‌ها در دکتورین هسته‌ای خود در مرحله دوم تغییر ایجاد کند. ایران به عنوان یکی از قدرتمندترین کشورهای موشکی جهان (۴ کشور نخست) تاکنون به شکل اعلامی برد موشک‌هایش را در نهایت دو هزار کیلومتر برشمرده بود در حالی که همه کارشناسان و تحلیلگران نظامی که دستی بر آتش در این حوزه دارند به خوبی می‌دانند که برد همین موشک‌ها تقریباً دو برابر عدد اعلامی است و در برخی نسخه‌ها تا سه برابر هم هست.

همه هم می‌دانند که یکی از دلایلی که ایران در این دو دهه تلاش نکرد برد بیش از دو هزار کیلومتر را اعلام کند، دیدن ریشه بحران، مشکلات و خطرات متوجه خود در منطقه و در فاصله ۲ هزار کیلومتری بود؛ یعنی ایران کشورهای خارج از این محدود را خطری برای خود احساس یا تصور نمی‌کرد، ولی اگر قرار شد برد موشک‌ها را به صورت رسمی اعلام کند، یعنی به بیش از ۴ هزار کیلومتر برساند، این یعنی شجاعی که ایران در آن احساس خطر می‌کند گسترش یافته است. حالا هر کشوری می‌تواند در این دایره قرار بگیرد؛ اما مهم طرف‌هایی هستند که واقعا دشمنی می‌کنند.

این اعلام رسمی یعنی آنکه کشورهای اروپایی که تا به امروز ایران آن‌ها را «خطر» نمی‌دانست و حتی در عداد «دشمن نزدیک» قلمداد نمی‌کرد، در حال ورود به این قلمرو هستند. این موضوع نه تنها شامل کشورهای اروپایی است، بلکه شامل پایگاه‌های آمریکا مستقر در کشورهای اروپایی و حتی پایگاه‌های ناتو در شعاع برد موشک‌های اعلامی ایران خواهد بود. همه می‌دانند که ایران به

امنیت انرژی و اقتصاد جهان گروگان توحش اسرائیل

میلا صدیقی

به گزارش اندیشکده بروکینگز، جنایات و منازعات اسرائیل در منطقه، اقتصاد جهانی را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. افزایش قیمت انرژی، به ویژه نفت، رشد اقتصادی جهانی را تهدید و تورم را تشدید نموده و نوسانات بازارهای مالی، کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و افزایش نرخ بهره، بر پیچیدگی اوضاع افزوده است. در مجموع، این بحران، آینده اقتصاد جهانی را با ابهاماتی جدی مواجه کرده که نیازمند اتخاذ سیاست‌های اقتصادی هماهنگ در سطح جهانی است.

به نقل از بروکینگز، تخریب زیرساخت‌ها، کاهش تولید و فرار سرمایه از جمله مهم‌ترین پیامدهای اقتصادی جنگ اسرائیل علیه غزه بوده است. ادامه درگیری‌ها می‌تواند به تشدید بحران اقتصادی، افزایش تورم و بیکاری، تهدید امنیت و افزایش قیمت انرژی و کاهش کیفیت زندگی مردم منجر شود. همچنین، این بحران‌ها می‌تواند فرصت‌های سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش داده و مانع از توسعه پایدار شود.

شوک عرضه نفت، امنیت انرژی و رشد اقتصادی جهانی را تهدید می‌کند

در سطح جهانی، انرژی به عنوان مهم‌ترین چالش آنی مطرح است. افزایش قیمت نفت بیش از حمله اسرائیل، همراه با تشدید نگرانی‌ها درباره اختلال در عرضه (به ویژه در صورت گسترش بحران به ایران یا عراق)، سطح اضطراب در بازارهای جهانی را به شدت بالا برده است.

با وجود آنکه تولید نفت به نظر نمی‌رسد از آغاز جنگ تحت تأثیر قرار گرفته باشد، قیمت هر بشکه نفت حدود ۵ دلار افزایش یافته است. این افزایش قیمت که شوک عرضه نفت نامیده می‌شود، می‌تواند ضربه‌های جدی به اقتصاد جهانی وارد کند. بر اساس برآوردهای صندوق بین‌المللی پول، هر ۱۰ درصد افزایش در قیمت نفت می‌تواند ۰.۱۵ درصد از رشد اقتصادی جهانی بکاهد. این موضوع به ویژه برای کشورهای واردکننده انرژی که به نفت وابسته هستند، نگران‌کننده است.

افزایش قیمت انرژی، تهدیدی جدی برای کنترل تورم و رشد اقتصادی

کشورهای در حال توسعه‌ای مانند پاکستان، با چالش‌های جدی در تامین نفت روبرو هستند. اختلال در عرضه گاز، مانند توقف تولید در میدان تمار اسرائیل و افزایش قیمت گاز در اروپا، بر این وضعیت دامن زده است. تشدید تنش‌ها در غرب آسیا نیز می‌تواند تامین گاز اروپا از این منطقه را تحت تأثیر قرار دهد و به تبع آن،



داده‌اند. کاهش ملایم قیمت سهام همراه با افزایش نرخ‌های بهره بلندمدت، تصویری مبهم از وضعیت بازار ارائه می‌دهد. معمولاً افزایش نرخ بهره با کاهش ریسک‌گریزی و افزایش قیمت سهام همراه است، اما در شرایط فعلی، افزایش نرخ بهره نشان‌دهنده نگرانی از تشدید تورم است که می‌تواند به سیاست‌های پولی سخت‌گیرانه‌تر منجر شود. این تناقض حاکی از آن است که سرمایه‌گذاران در مواجهه با آینده‌ای نامشخص، محتاطانه عمل می‌کنند.

شکل اسرائیل زیر فشار جنگ و اختلافات داخلی

رژیم صهیونیستی با دارایی‌های خارجی هنگفت، از جمله ذخایر ارزی فراوان، وضعیت مالی مطلوبی داشت. اما جنگ و ناآرامی‌های اخیر، اقتصاد آن را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. کاهش نیروی کار، افت گردشگری و افزایش هزینه‌های نظامی و امنیتی، از جمله مشکلاتی هستند که اسرائیل با آن دست و پنجه نرم می‌کند.

اختلافات سیاسی و جنجال‌های اخیر در سیستم حکومتی اسرائیل، به شدت بر اقتصاد این کشور و به ویژه بر ارزش شیکل تأثیر گذاشته است. کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و افزایش نگرانی‌ها درباره آینده اقتصادی اسرائیل، باعث شده است که ارزش شیکل از ابتدای اکتبر تاکنون حدود ۵ درصد کاهش یابد. بانک مرکزی اسرائیل برای جلوگیری از تشدید این وضعیت، تصمیم گرفته با فروش بخشی از ذخایر ارزی خود، به ارزش ۳۰ میلیارد شیکل، به بازار تزریق ارز کند و از این طریق، ارزش شیکل را تثبیت نماید. (منبع: بروکینگز)

بازارهای مالی در دو راهی: تورم یا رکود، کدام سناریو محتمل‌تر است؟

تنش‌های بین‌المللی مثل جنگ و اختلافات سیاسی، باعث می‌شود سرمایه‌گذاران احساس خطر کنند و به سمت سرمایه‌گذاری‌های امن‌تر بروند. این موضوع باعث می‌شود دلار قوی‌تر شود و کشورهای پولی وابسته هستند، با مشکلات اقتصادی بیشتری روبرو شوند.

در همین حال، تعدادی از اقتصادهای نوظهور که پیش‌تر با بحران بدهی خارجی دست و پنجه نرم می‌کردند و اعتماد سرمایه‌گذاران جهانی را از دست داده بودند، در معرض آسیب‌پذیری بیشتری قرار دارند. علاوه بر نوسانات بازارهای مالی، افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی و تهدیدات تروریستی نیز می‌تواند به طور قابل توجهی بر اعتماد سرمایه‌گذاران و در نتیجه بر تقاضای کل این کشورها تأثیر منفی بگذارد.

بازارهای مالی در دو هفته گذشته واکنش متناقضی از خود نشان



تعدیل انتظارات از (بریکس) در برابر واقعیت‌های جدید اقتصادی و سیاسی

پانزدهمین اجلاس بریکس در آفریقای جنوبی فصل جدیدی در تحولات این سازمان گشوده است؛ چرا که این گروه تصمیم گرفت تعداد اعضای خود را دو برابر کند. از این رو برخی از تحلیل‌گران با امید و تحسین و برخی با تردید و نگرانی به بریکس می‌نگرند و از پس عینک خود بریکس را مورد تحلیل قرار می‌دهند. به همین دلیل لازم است با دیدگاهی واقع‌گرایانه انتظارات از بریکس تنظیم شود.

امکان نقش آفرینی بریکس در ایجاد پروژۀ یکپارچه‌سازی اقتصاد جهانی

برخی از تحلیل‌گران بر این باورند که اعضای این گروه با حضور در بیش از یک چهارم قلمرو جهان، بیش از ۴۰ درصد از جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند. آن‌ها همچنین استدلال می‌کنند که از نظر تولید ناخالص داخلی، سهم بریکس حدود ۳۳ درصد است که گروه بریکس را به خوبی از جی هفت (هفت اقتصاد بزرگ غربی) جلوتر می‌اندازد.

به همین دلیل پیش‌بینی می‌کنند با فرض توقف در سیاست پذیرش اعضای جدید، تا سال ۲۰۵۰ اقتصاد کل گروه جی هفت تنها به اندازه نیمی از اقتصاد گروه بریکس خواهد بود.

با این حال باید توجه داشت بریکس یک مرکز قدرت اقتصادی کاملاً خودکفا نیست. میزان تجارت کلی در میان حلقه اولیه بازیگران بریکس به طور قابل توجهی کمتر از تجارت بین «چین و آسه آن» یا «چین و اتحادیه اروپا» است. وضعیت در مورد سرمایه‌گذاری‌های متقابل و زنجیره‌های چندجانبه و مشترک تولید نیز صدق می‌کند.

بریکس به مثابه اتحاد سیاسی یا امنیتی با ماهیت ضدغربی؟

از ابتدای تاسیس بریکس در سال ۲۰۰۶ گروه بریکس به لحاظ سیاسی بسیار متنوع بوده است. «چین» به عنوان کشور سوسیالیستی، «امارات» به عنوان کشوری سلطنتی، «هند» به عنوان یک لیبرال دموکراسی و «ایران» به عنوان کشور تئوکراتیک (حکومت دینی یا دین‌سالار) ترکیب متنوعی را تشکیل می‌دهند. از این رو سیاست خارجی و اولویت‌های امنیتی اعضای گروه به طور قابل توجهی با یکدیگر متفاوت است. به عبارتی دقیق‌تر بریکس گروهی غیرغربی است لکن تبدیل آن به گروهی ضدغربی دشوار است.

میزان نقش آفرینی بریکس در میانجیگری؟

موضوعاتی مانند مناقشات «چین و هند»، «مصر و اتیوپی»، «روسیه و اوکراین» و در مجموع «صلح غرب آسیا» به موضوعاتی حساس و مناقشه‌برانگیز تبدیل شده‌اند. به همین دلیل امکان نقش آفرینی اثرگذار بریکس در چنین قالب گسترده و متنوعی دشوار است. در خوشبینانه‌ترین حالت، واکنش بریکس می‌تواند صدور بیانه‌های سیاسی کلی در راستای خواست حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی باشد.

گروهی معادل جی هفت؟

گروه جی هفت متشکل از هفت قدرت برتر اقتصادی با سابقه پنجاه ساله بعضاً با بریکس مورد مقایسه قرار می‌گیرد. با این حال، حداقل دو تمایز مهم بین این دو گروه وجود دارد. اول اینکه، جی هفت گروهی متشکل از کشورهای همفکر است که نه تنها به واسطه وابستگی متقابل اقتصادی بسیار عمیق و چند بعدی، بلکه با ارزش‌های مشترک و نظام‌های سیاسی و اجتماعی همگرا متحد شده‌اند. در حالی که بریکس یک جامعه ناهمگن از تمدن‌های متنوع با نظام‌های ارزشی و نهادهای سیاسی کاملاً اختصاصی تشکیل شده است.

دوم اینکه در راس سلسله مراتب گروه جی هفت ایالات متحده به عنوان رهبر بلامنازع گروه عمل می‌کند. چین سازکار و سلسله مراتبی در بریکس وجود ندارد. بنابراین، مقایسه بریکس و جی هفت مانند مقایسه نهنگ و فیل است؛ هر دو حیوان بزرگی هستند، اما به طور مشخص با یکدیگر تفاوت دارند.

تعارض منافع در صدور مجوز صادرات

محمد رضا مولایی

واگذاری اعطای «مجوز صادرات» به اتحادیه‌ها و انجمن‌های تخصصی یکی از اقدامات تنظیم‌گرایانه وزارت جهاد کشاورزی محسوب می‌شود؛ اما «ماهیت تولیدی» انجمن‌ها و اتحادیه‌های تخصصی از یک سو و «عدم نظارت و ارزیابی» وزارت جهاد کشاورزی از سوی دیگر، سبب تعارض منافع در تخصیص مجوزهای صادراتی شده و منجر به بازماندن تولیدکنندگان بنگاه‌های خرد و کوچک از حضور در بازارهای فرامرزی شده است.

دریافت مجوز صادرات بنا به ملاحظات بهداشتی، قرنطینه‌ای، ایمنی و زیست محیطی و نظایر آن، بر اساس قانون، مستلزم اعلام نظر و اخذ گواهی سازمان‌های مربوطه است. فرآیند اعلام برخی از مجوزهای فوق پیش از اظهار کالا و برخی پس از اظهار کالا در گمرک لازم است. وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مربوطه نیز موظفند شرایط و مشخصات مورد نظر خود، همچنین نام موسسات و سازمان‌های کنترل‌کننده و مجری ضوابط مذکور را در سامانه مقررات تجاری به اطلاع واردکنندگان، صادرکنندگان و سازمان‌های اجرایی ذی‌ربط برسانند.

صدور مجوز محصولات کشاورزی توسط وزارت جهاد

«وزارت جهاد کشاورزی»، «سازمان شیلات»، «موسسه تحقیقات ثبت و گواهی بذر و نهال»، «سازمان جنگل‌ها و مراتع آبخیزداری»، «موسسه تحقیقات آب و خاک»، «سازمان چای کشور» و سایر زیرمجموعه‌های این وزارتخانه از دیگر نهادهایی هستند که در زمینه صدور مجوز صادرات نقش دارند.

علاوه بر این، گواهی بهداشت نباتات توسط «سازمان حفظ نباتات» و گواهی‌نامه بهداشت دامی و گواهی‌نامه سلامت توسط «سازمان دامپزشکی» از زیرمجموعه‌های وزارت جهاد کشاورزی صادر می‌شود.

اقداماتی برای توسعه تجارت محصولات کشاورزی

با تغییرات ایجاد شده در دهه اخیر و تصویب قانون تمرکز و افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی، گام‌های ابتدایی طی شده است. در همین راستا وزارت جهاد کشاورزی به منظور سامان‌دهی به حوزه صادرات بخش کشاورزی، دوری‌گزینی از برنامه‌های ضربتی و کوتاه



وزارت جهاد کشاورزی در قامت تنظیم‌گر؟

یکی از اقدامات وزارت جهاد کشاورزی در خصوص صادرات برخی محصولات مانند مرغ و تخم‌مرغ، واگذاری اعطای «مجوز صادرات» به اتحادیه‌ها و انجمن‌ها است. وزارت جهاد کشاورزی با در نظر داشتن مولفه‌هایی مانند میزان نیاز بازار داخلی و مازاد تولید در فواصل زمانی میزان ارقام صادراتی محصولات کشاورزی و دامی را به اتحادیه‌ها و انجمن‌های تخصصی هر بخش اعلام می‌کند.

انجمن‌ها و اتحادیه‌ها نیز عمدتاً با در نظر داشتن حجم تولید، سابقه تولید و ارتباط تولیدکننده با انجمن و اتحادیه، مجوز لازم را اعطا می‌کنند. برای مثال، بعد از لغو ممنوعیت صدور مرغ، وزارت جهاد کشاورزی ۷۰۰۰ تن مجوز صادرات را در ابتدای اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۳ در اختیار اتحادیه مرغداران قرار داد. البته رویه واگذاری اعطای مجوز صدور در سازمان توسعه تجارت نیز صورت می‌گیرد. از این رو سازمان توسعه تجارت برای مقابله با صادرات کالاهای بی‌کیفیت در کالاهایی مانند سیمان، شرکت‌های منتخبی را به عنوان صادرکننده معرفی می‌کند که این مورد نیز محاصل جلسات وزیر صمت با انجمن‌ها است.

تعارض منافع درون اتحادیه‌ها و انجمن‌های تخصصی

تفویض موضوع صدور مجوزها در گام اولیه این سوال را مطرح می‌کند که آیا اتحادیه‌ها و انجمن‌های تخصصی که عمدتاً در زمینه تولیدی فعالیت دارند، توانمندی لازم برای ورود به عرصه بازرگانی را دارند؟!

شواهد حاکی از آن است که عدم رعایت پیش‌نیازها و ترتیبات اولیه، تفویض تصمیم‌گیری در رابطه با مجوز صدور به اتحادیه‌ها و انجمن‌های مربوطه، تعارض منافی در سطوح مختلف ایجاد کرده است؛ چرا که دولت با واگذاری، دست از نظارت و ارزیابی برداشته است. به همین دلیل بسیاری از تولیدکنندگان خرد و متوسط توانایی اخذ مجوز از سوی اتحادیه‌ها و انجمن‌ها را ندارند و در چرخه تولید و عرضه خرد داخلی باقی می‌مانند.

بدین ترتیب عدم توانایی کسب مجوز لازم از مراجع مربوطه و ضعف در رقابت‌پذیری، یکی از چالش‌هایی است که این روش برای سایر تولیدکنندگان بنگاه‌های خرد و کوچک ایجاد می‌کند. به عبارتی تولیدکنندگان بزرگ به دلیل حضور در بازارهای فرامرزی، قدرت بیشتری برای کسب مجوز دارند و در نتیجه انتفاع بیشتری کسب می‌کنند.

باغ کانون برخلاف گذشته پربار نیست

ایمان عظیمی



از ابتدای شکل‌گیری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۴۴ اتفاقات ویژه‌ای در جذب نگاه فرزندان این مملکت به فعالیت‌های فرهنگی، خاصه سینما رقم خورد. در همین راستا بود که امور سینمایی کانون در سال ۱۳۴۸ به وجود آمد و در قالب ساخت فیلم‌های کوتاه، بلند و انیمیشن خوراک فکری بسیار خوبی را برای مخاطبان خود فراهم کرد. گردانندگان این نهاد مهم فرهنگی و تربیتی در پیاده کردن اهدافشان موفق شدند و حتی توانستند با فیلم «پچه‌های آسمان» به‌عنوان یکی از محصولات مهم خود به جمع پنج فیلم نهایی فهرست اسکار در بخش بین‌المللی هم راه پیدا کنند و راه درست ورود به عرصه‌های جهانی را پیش پای مدیران فرهنگی کشور قرار دهند. راه درست این بود که آثار کودک و نوجوان ما با معرفی پچه‌های ایران به دنیا هم چهره کشور را آنگونه که هست به مردم و سینمادوستان دنیا نشان می‌دادند و هم برای اینکه به چشم جشن‌ها و جشنواره‌های غربی بیایند نیازی به اگزوتیک شدن نداشتند. اکنون که در حال نگارش این متن هستم فعالیت‌های کانون در حوزه سینما به ۴۵۴ فیلم بلند، کوتاه و پویانمایی رسیده ولی از نقش منوی و جایگاه اقتصادی آن در چرخه سینمای ایران نسبت با سال‌های پیش کاسته شده و این مسئله‌ای است که نمی‌توان از کنار آن به‌سادگی عبور کرد؛ حتی فیلم سینمایی «باغ کیانوش» هم در جایگاه یکی از مهم‌ترین آثار کانون و یکی از بهترین فیلم‌های سینمایی ایران در چندسال گذشته شاید نتواند حضور موفق در گیشه داشته باشد و پای مخاطبان هدفش را به سینما باز کند که این مهم به دلایل مختلفی از جمله شرایط پخش در سینمای ایران و همچنین تصمیمات داخلی کانون بازمی‌گردد که در ادامه به هر دوی این موارد خواهیم پرداخت اما پیش از آن باید نگاهی به تاریخچه پرپر این سنگر مهم و قابل اتکای فرهنگی در حوزه تولید و پخش آثار بلند و کوتاه سینمایی بیندازیم.

سال‌هایی که سینما مهم بود

محمدرضا اصلانی، عباس کیارستمی و بهرام بیضایی با هر فکر و سلیقه‌ای که به آن‌ها بنگریم جزء شاخص‌ترین چهره‌های فرهنگی و هنری مملکت ما محسوب می‌شوند که کار خود را در سینما با ساخت فیلم کوتاه برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آغاز کردند. بیضایی با «عمو سیبیلو»، کیارستمی با «نان و کوجه» و اصلانی با «پدیده» آغازکننده راهی لقب گرفتند که هیچ نسبتی با جو مرسوم سینمای ایران در آن سال‌ها برقرار نمی‌کرد و راه خودش را با اتکا به سرمایه‌های دولتی پیش می‌برد. تلاش‌های روشنفکران عرفی و منتقد - روزنامه‌نگاران در آن دوران باعث شده بود که نام موج‌نو بر سر زبان‌ها بیفتد

و تبلیغات عظیمی در رابطه با آن صورت بگیرد ولی این کانون بود که بی‌سروصدا به ساخت فیلم‌های متفاوت گرایش نشان داد و ذائقه بسیاری از مردم ایران، به‌ویژه کودکان و نوجوانان را متحول کرد. تشکیلات کانون پرورش فکری، شیوه مدیریت دولتی و به‌طور کل سپردن امور آن به دولت در هیچ کجای دنیای مدرن مثل و مانند نداشت و هنوز هم ندارد؛ به همین خاطر هم بود که تداوم فعالیت‌ها در حوزه‌های

مختلف فرهنگی کانون به‌واسطه بودجه‌های مصوب ادامه داشت و توانست بدون موانع سخت‌کارش را پی بگیرد و ذائقه بسیاری را از سرخوردن به دامن ابتدال نجات دهد. حتی انتقال مدیریت از یک سازمان فرهنگی - هنری با زمینه فکری مستقل به وزارت آموزش و پرورش هم موجب این نشد تولید فکر و اندیشه برای پچه‌های ایران معطل بماند و کار پیش نرود. آثار سینمایی کانون در عین اینکه قادر بودند مخاطبان را از میان کودکان و نوجوانان دستچین کنند برای دیگر رده‌های سنی هم جذاب بودند. جذابیتهایی که در روایت داستان‌های خود چندان به سینمای جریان اصلی نزدیک نبود و از طرف دیگر به جریان سینمای اقلیت و روشنفکری هم تعلق نداشت و همین شرایط مناسبی را برای جذب نگاه‌های متفاوت به سینما پدید می‌آورد، به‌طوری‌که در فیلم‌های کانون دوربین علاوه بر اینکه در بیشتر اوقات به دنبال شخصیت اصلی می‌رفت ولی از توجه به محیط پیرامونش هم دریغ نمی‌کرد و از این منظر هارمونی متوازن و درستی میان کاراکترها و محیط اطراف‌شان به مثابه شخصیتی استوار و قابل اهمیت ایجاد می‌کرد. هیچ شیئی در آثار تصویری کانون پرورش فکری دست دوم و بی‌کارکرد نبود و تماشاگرانش را به کشف پدیده‌های جهان دعوت می‌کرد. از این رو فیلم‌ها فقط جنبه سرگرمی نداشتند، بلکه به مخاطبان‌شان نحوه بهتر زیستن را آموزش می‌دادند. به سبب‌ها این آثار که نگاه می‌اندازیم درمی‌یابیم اگر دیگر بخش‌های سینمای ما هم مانند کانون عمل می‌کردند وضعیت به گونه دیگری رقم می‌خورد، زیرا فیلم‌های بلند داستانی کانون علاوه بر اینکه رگه‌های قصه‌گویی‌شان را حفظ می‌کردند متکی به حضور چهره‌ها نیز نبودند و بار سبک روایت را به دوش پچه‌ها می‌انداختند. با ورود به دهه ۶۰ چهره‌هایی نظیر ابراهیم فروزش، محمدعلی طالبی، امیر نادری (که پیش‌تر با فیلم «سازدهنی» در دهه ۵۰ با کانون همکاری کرده بود) و... به‌عنوان سرمایه‌های انسانی کانون به کار خود در زمینه سینما ادامه دادند و تا اواخر دهه ۷۰ هم غذای فرهنگی کودکان و نوجوانان را تهیه کردند ولی با ورود به دهه ۸۰ و بعد از آن روند صعودی فعالیت‌های فرهنگی با کاهش روبه‌رو شد و هیچ‌وقت به دوران پرشکوه گذشته بازنگشت.

فصل سوت و کور سینما

با ورود به دهه ۹۰ هرچند نفس‌های سینما در کانون به شماره و از تب‌وتاب نیفتاد ولی دوران خوش سپری شده بود و خبری از محصولات سینمایی درجه‌یک برای کودکان و نوجوانان نبود. فیلم‌هایی نظیر «کلانتری غیرانتفاعی» ساخته یحیی‌الله صمدی که با فروش ۵۸۶۰ بلیت تنها توانست کمی بیش از ۱۵ میلیون الیام‌بخش من هستند و اولین کسانی هستند که کتاب‌های جدید را می‌خوانند، اما آنها دلیل نوشتن من نیستند. در حال حاضر در عمده کشورهای جهان به دلایل مختلفی چون سيطرة فضای مجازی و... کودکان و نوجوانان تمایلی به خواندن کتاب ندارند. برای تشویق بیشتر کودکان به خواندن کتاب چه کنیم؟ من به مدت ۱۵ سال به طور داوطلبانه و به عنوان حامی آموزش در مدرسه سولینگن فعالیت می‌کردم که دانش‌آموزان دبستانی آن از ۱۴ ملیت مختلف حضور داشتند و توانستم آنها را به خواندن و نوشتن تشویق کنم. تجربه من این است که اشتیاق به کتاب و مطالعه (با صدای بلند) توسط والدین در لحظه به پچه‌ها سرایت می‌کند.

کودکان به محیط اطراف خود و مهم‌تر از همه به پدر و مادر خود توجه می‌کنند. این موضوع درباره بسیاری از رفتارها از جمله مطالعه و کتابخوانی صدق می‌کند. کودکان بلافاصله متوجه می‌شوند که آیا والدین از خواندن کتاب برای آنها لذت می‌برند یا فقط به این دلیل که فکر می‌کنند کتابخوانی برای کودک خوب است، این کار را انجام می‌دهند. آنها با شنیدن داستان، تصاویری را در ذهنشان تصور

تومان به حساب سینماداران و کانون پرورش فکری واریز کند و در رتبه شصت‌وپنجم ایران سال ۱۳۸۹ قرار بگیرد. این در حالی بود که سینمای کودک و نوجوان و متولی آن یعنی کانون در دهه‌های قبل سهم خوبی از فروش فیلم‌ها را به خودش اختصاص می‌داد ولی موفقیت آثار کانونی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ تبدیل به یک رویه ثابت در دهه‌های بعد نشد و بسیاری را نسبت به حضور در عرصه سینمای کودک و نوجوان دل‌سرد کرد. محمدعلی طالبی، کارگردان فیلم «پایان رویاها» در مصاحبه‌ای که اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون با وی انجام داد در رابطه با بهبود شرایط فیلم‌های کودک و نوجوان گفت: «فعالیت سینمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان باید به سمتی ادامه پیدا کند که این نهاد بتواند پخش و توزیع و همچنین اکران تمامی فیلم‌های کودک و نوجوان را برعهده بگیرد و از طرفی برای آگاهی عمومی مردم و دعوت آن‌ها به سینما از تیزرهای تلویزیونی و بیلبوردهای فراوان هم بهره ببرد.» او در ادامه افزود: «پخش و مارکت‌های جهانی زمانی اتفاق می‌افتد که کانون کمی از نقش تولیدکننده فاصله بگیرد و بیشتر نقش توزیع‌کننده داشته باشد تا هنرمندان بدانند می‌توانند فضایی برای بروز و ظهور استعدادها و خویشتن به دست بیاورند و در ادامه کارگردان‌ها نیز بدانند سالن‌هایی وجود دارد که آثار آنان را به نمایش بگذارد.»

اما وقتی به وضعیت فیلم‌های تولیدشده توسط کانون در این سال‌ها نگاه می‌کنیم تلخی شکست نسبت به شیرینی پیروزی قالب می‌شود و این اتفاق، سخت آزارمان می‌دهد. کافی است به پرونده فیلم‌های تولیدشده در این نهاد نظر بیندازیم و آن‌ها را باز کنیم. «در آغوش درخت» محصول مشترک کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و سازمان سینمایی سوریه با وجود اینکه نماینده ایران در اسکار ۲۰۲۵ است ولی حال و روز چندان خوشی در اکران سال جاری ندارد و با قرار گرفتن در رتبه بیستم فروش از میان ۴۱ فیلم اکران‌شده همچنان به کارش ادامه می‌دهد و در فرصت باقی‌مانده اکران مخاطبان کمی نسبت به حضور این اثر در سالن‌های سینما آگاهی دارند. «یدو» کیس مطالعاتی جالب‌تری نسبت به در آغوش درخت است. این اثر در سی‌ونهمین دوره جشنواره فجر سیم‌رنگ بلورین بهترین فیلم را دریافت کرد ولی پیش از اینکه بخواد در اکران عمومی فرصتی برای عرضه‌اندام داشته باشد دو نوبت در تلویزیون پخش شد و عملاً مخاطبان بالقوه‌اش را برای حضور در سالن‌های سینما از دست داد! نادیده گرفتن ظرفیت‌های اکران سینمایی توسط کانون و دیگر نهادها و سازمان‌هایی که با ایشان به‌صورت مشترک در تولید و پخش فیلم همکاری می‌کنند با نمایش مهم‌ترین فیلم جشنواره دوره سی‌ونهم فجر در سینمای جمهوری اسلامی رسم ناخوشایندی است که تکرار آن به مرگ قطعی سینمای غیرکمدی ایران منجر می‌شود و کانون هم نباید دوباره نسبت به مفسده‌های که این رویه برمی‌انگیزد چشم‌پوشی کند. در میان فیلم‌های کانون در سال‌های اخیر، انیمیشن «پچه‌زرنگ» با فروش ۶۲ میلیارد تومانی در سال ۱۴۰۲ رتبه خوب ششم را به دست آورد و توانست پای بسیاری از کودکان و خانواده‌های آن‌ها را به سینما باز کند. همانطور که محمدعلی طالبی در حاشیه اکران فیلمش عنوان کرد، مسئله پخش برای آثار منتسب به کانون پرورش فکری جدی است و آن‌ها باید بتوانند نقشی ویژه در این زمینه ایفا کنند و از سوی دیگر دولت هم باید دست‌به‌کار شود و با پرداخت بودجه‌های مناسب به کانون، وضعیت سینمای کودک و نوجوان را سر و سامان دهد. (فرهیختگان)



آگاهی بخشی در اولویت است

علی‌اکبر میرزاآقایی

■ ضرورت ایجاد شبکه توزیع کتاب در کشورهای حوزه مقاومت

این دوره از هفته کتاب در حالی آغاز می‌شود که خاورمیانه و کشورهای جریان مقاومت جریانات مهمی را از سر گذرانده‌اند. دشمن صهیونیستی خوی سیاه و خصلت خونینش را به منت‌های درجه رسانده و ضمن به شهادت رساندن برخی رهبران جریان مقاومت، عرصه وقاحتش را به حمله مستقیم به ایران اسلامی نیز گشوده است. درباره نسبت جریان مقاومت با هفته کتاب گفت‌وگو با علی اکبر میرزاآقایی خوانساری، مدیر انتشارات سیب صادق با خانه کتاب را می‌خوانیم. وی در این گفت‌وگو ضمن بررسی وضعیت کنونی جبهه مقاومت به چالش‌های فرهنگی آن پرداخته است. میرزاآقایی بر اهمیت آگاهی‌بخشی و نقش رسانه‌ها در معرفی حقیقت جبهه مقاومت تأکید می‌کند و ضرورت ایجاد پیوست فرهنگی مناسب را یادآور می‌شود. وی گفت: این روزها، جریان مقاومت در مرحله حساسی به سر می‌برد. شهید شدن تعدادی از سرداران این جریان و وحشی‌گری‌های بی‌سابقه دشمن صهیونیستی، نیاز به یک پیوست فرهنگی قوی‌تر را اجتناب‌ناپذیر کرده است.

میرزاآقایی افزود: ما باید به جامعه آگاهی بدهیم. بخشی از مردم، بدون داشتن شناخت کافی از جبهه مقاومت عمل می‌کنند. از سویی دیگر، عده‌ای به کلی بی‌تفاوت هستند و تفاوتی بین جبهه مقاومت و جبهه استکبار قائل نیستند. این وضعیت نیاز به روش‌های آموزشی مؤثر دارد.

مدیر انتشارات سیب صادق بر لزوم برگزاری آموزش‌های چهره به چهره تأکید کرده و پیشنهاد می‌دهد: آموزش‌های چهره به چهره، به‌ویژه در مدارس و دانشگاه‌ها، می‌تواند تغییرات مثبتی را به همراه داشته باشد. در حالی که برخی افراد از رسانه‌های داخلی فاصله گرفته‌اند، ما باید محتوای مؤثر و قابل قبولی را ارائه دهیم تا اعتماد مردم را جلب کنیم.

وی با اشاره به رویدادهای فرهنگی ایران به‌ویژه هفته کتاب، افزود: باید افرادی را دعوت کنیم که به اصول انسانی احترام می‌گذارند. این افراد می‌توانند دیدگاه‌های خود را در مورد جنایات اسرائیل و نقش‌های پشت‌پرده کشورهای استکباری، نظیر انگلیس و آمریکا، بیان کنند.

به باور میرزاآقایی جریان نشر کتاب در حوزه مقاومت، نیاز به تقویت دارد؛ متأسفانه جریان نشر کتاب درباره محور مقاومت در حال حاضر ضعیف است. باید ناشرانی که به‌طور خاص به نیازهای جوانان توجه دارند، به این حوزه توجه بیشتری کرده و آثار با کیفیت‌تری تولید کنند.

وی همچنین به اهمیت انتشار کتاب‌های مفید در زمینه مقاومت اشاره کرد و گفت: اگرچه من ارتباط دقیقی با این موضوع ندارم، اما یقین دارم که نویسندگان و پژوهشگران می‌توانند با تولید آثار مؤثر، گام‌های بلندی در جهت آگاهی‌بخشی به جامعه بردارند. ما نیاز به ترویج کتاب‌های مرتبط داریم تا فرهنگ مقاومت در جامعه نهادینه شود.

میرزاآقایی در پایان با نگاهی امیدبخش به آینده اشاره کرد: با توجه به درگیری‌های مستقیم جبهه مقاومت، ضرورت دارد که فعالیت‌های رسانه‌ای و فرهنگی در اولویت قرار گیرد. برگزاری کارگاه‌های آموزشی و نمایشگاه‌های کتاب ویژه محور مقاومت می‌تواند به ارتقای آگاهی عمومی کمک کند. ما باید به دنبال ایجاد شبکه‌ای برای توزیع کتاب‌های مفید در سطح کشورهای جبهه مقاومت باشیم تا آثار تولیدشده به‌درستی معرفی شوند.

اشتیاق به کتاب و مطالعه با صدای بلند توسط والدین در لحظه به پچه‌ها سرایت می‌کند



می‌کنند تا داستان را با تخیل خودشان همراهی کنند.

■ برای تشویق بیشتر کودکان به مطالعه، کتاب‌های کودک باید چه معیارهایی را داشته باشند؟

به نظر من یک کتاب کودک خوب، دو مشخصه دارد: اول اینکه روح مخاطبش را لمس می‌کند و دیگر اینکه برای کودکان و بزرگسالان به طور یکسان جذاب است و همه سنین می‌توانند با آن کتاب ارتباط برقرار کنند.

چقدر به ادبیات ایران آشنایی دارید؟

تا الان تقریباً هیچ. اما چندی پیش یک کتاب‌فروشی فارسی در شهر کلن پیدا کردم و خوشحالم که از این به بعد می‌توانم کتاب‌های ایرانی را آنجا ببینم.

فلیکسی که شما خلق کرده‌اید، اکنون یک ستاره جهانی است. به نظر شما، ارائه کتاب‌های آلمانی در ایران به‌ویژه در رویدادهایی چون هفته کتاب یا نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، چه کمکی به نزدیک شدن فرهنگ‌های دو کشور به یکدیگر می‌کند؟

بابت تعریفی که از فلیکس کردید متشکرم. چون هنوز رویدادهای فرهنگی در ایران را نمی‌شناسم، نمی‌توانم در این مورد اظهارنظر کنم، اما قبلاً از طرف مؤسسه گوته به چندین کشور سفر کرده‌ام و در آنجا مهمان مردم و به‌ویژه کودکان بوده‌ام. در حین کتابخوانی‌ها متوجه شدم که پچه‌های کشورهای مختلف به داستان گوش می‌کردند و می‌خندیدند. وقتی طنز و پیام داستان هیچ حد و مرز محدودیتی نمی‌شناسد، فوق‌العاده است.

شما دو فرزند دارید. آیا برای فرزندانتان کتاب می‌نویسید؟

خیر من به خاطر علاقه‌ام به داستان‌نویسی، می‌نویسم. البته فرزندانم

آنت لنگن (Annette Langen) نویسنده ۵۷ ساله آلمانی است که بیشتر با مجموعه کتاب‌های تصویری فلیکس (خرگوش مسافر) شناخته می‌شود. سی سال از انتشار اولین کتاب این مجموعه گذشته و بیش از بیست کتاب از این خرگوش عاشق سفر به بازار نشر ارائه شده است. «نامه‌های فلیکس» به چندین زبان ترجمه شده و جوایز بین‌المللی دریافت کرده است. همچنین با اقتباس از این اثر سریالی نیز ساخته شده است.

مجموعه کتاب‌های فلیکس در ایران نیز ترجمه و منتشر شده است. ماجراجویی‌های فلیکس در سفر به مناطق مختلف جهان، ضمن سرگرم کردن کودکان به آنها موارد زیادی را آموزش می‌دهد. والدین و آموزگاران می‌توانند با خواندن این کتاب‌ها برای کودکان نکات مربوط به سفر را یادآوری کنند و از آنها بخواهند سفرنامه واقعی یا حتی تخیلی بنویسند.

لنگن از سال ۱۹۸۹ بیش از صد و پنجاه عنوان کتاب برای کودکان و نوجوانان منتشر کرده است که بسیاری از آنها به سی زبان ترجمه شده است. گفت‌وگوی ستاد خبری سی‌دومین هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران با این نویسنده را در ادامه بخوانید:

لاوندر؛ الگوریتم کشتار غیر نظامیان



■ بررسی ابعاد حقوق بشری به کارگیری سامانه‌های نظامی مبتنی بر هوش مصنوعی رژیم صهیونیستی را در ادامه می‌خوانیم.

۱- ماشین علیه انسان؛ کشتار خودکار

از آغاز جنگ ۷ اکتبر و تجاوز وحشیانه رژیم صهیونیستی به فلسطین، اخباری مبنی بر استفاده اسرائیل از سامانه‌های هوش مصنوعی در جنگ و بمباران ساختمان‌های غزه به گوش می‌رسید که بسیاری از افراد حتی در داخل ایران آن را مبنی بر غلو و بزرگنمایی قابلیت‌های هوش مصنوعی می‌دانسته و رد می‌کردند. تا اینکه در تاریخ ۳ آوریل ۲۰۲۴، گزارشی در مجله «Magazine and Local Call ۹۷۲+» توسط «Yuval Abraham» منتشر شد. این گزارش با ۶ منبع ناشناس در دستگاه اطلاعاتی اسرائیل که در واحدهای مرتبط ارتش اسرائیل خدمت می‌کنند مصاحبه نموده و جزئیات و اطلاعات دقیقی از چندین پروژه هوش مصنوعی که از سال ۲۰۲۱ در وزارت دفاع اسرائیل پایه‌ریزی گردیده و در طی یکسال اخیر مورد استفاده قرار گرفتند، پرده برداشت. همچنین افشای هویت اصلی نویسنده کتاب «تیم انسان - ماشین: چگونه می‌توان هم‌افزایی بین انسان و هوش مصنوعی ایجاد کرد که دنیای ما را متحول کند» که ابتدا با قلم مستعار در سال ۲۰۲۱ به زبان انگلیسی چاپ شده بود، بر اطمینان از صحت وقایع اخیر مهر تأیید زد. در این کتاب که نویسنده اصلی آن فرمانده واحد ۸۲۰۰ یگان ویژه اطلاعاتی ارتش اسرائیل است، «طراحی یک ماشین (سامانه هوش مصنوعی) که بتواند اهداف نظامی را شناسایی و آنها را با اطمینان بالایی تأیید کند»، نظریه‌پردازی شده است.

با توجه به گسترش سرسام‌آور اهداف ترور توسط رژیم صهیونیستی از سطح «فرماندهان ارشد» به «تمامی عوامل» حماس و جهاد اسلامی، ارتش رژیم صهیونیستی شناسایی دستی و انسانی همه اهداف ترور را غیرممکن دانست. بر همین اساس سامانه‌های هوش مصنوعی را برای شناسایی و ترور اهداف ترور، طراحی، توسعه و مورد استفاده قرار داد. براساس گزارش مجله ۹۷۲+، ارتش اسرائیل از آغاز جنگ اخیر از تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۲۳، حداقل ۳ سامانه هوش مصنوعی با نام‌های «لاوندر»، «بابا کجاست» و «انجیل» استفاده کرده است که با استفاده از فناوری‌های یادگیری ماشین، یادگیری عمیق و احتمالاً بینایی ماشین طراحی و توسعه یافته‌اند.

سامانه «لاوندر» اطلاعات جمع‌آوری شده در مورد بیش از ۲.۳ میلیون نفر ساکن نوار غزه را از طریق یک سیستم نظارت انبوه تجزیه و تحلیل می‌کند و سپس احتمال اینکه هر فرد خاص در شاخه نظامی حماس یا جهاد اسلامی باشد را ارزیابی و رتبه‌بندی می‌کند. این ماشین تقریباً به هر فرد در غزه یک امتیاز از ۱ تا ۱۰۰ می‌دهد که نشان می‌دهد چقدر احتمال دارد که آن‌ها عضو حماس یا جهاد اسلامی باشند.

اطلاعاتی که لاوندر در مرحله یادگیری ماشین با استفاده از آن آموزش دیده است، شامل اطلاعات قطعی و عینی از جمعی از اعضای گروه حماس و جهاد اسلامی است. از جمله اطلاعات هویتی، شبکه ارتباطات اجتماعی (لیست تماس، علاقه مندیهای شبکه اجتماعی)، اطلاعات مکانی، عادت‌های ارتباطی (سرویس مخابراتی، تعویض سیمکارت و...)، سپس لاوندر پس از راه اندازی، مبتنی بر مدل و الگوریتم خود، ویژگی‌های فوق را در جمعیت عمومی ارزیابی می‌کند و افرادی که دارای بیشترین امتیاز باشند، به عنوان هدف نهایی ترور معرفی می‌کند.

فاجعه سامانه لاوندر برای بمباران کودکان و غیرنظامیان فلسطینی، توسط یک سامانه هوش مصنوعی مکمل با نام «بابا کجاست» تکمیل شد. این سامانه، محل سکونت هر یک از اهداف مورد نظر را در پایگاه داده خود در اختیار دارد و با تحلیل داده‌های تصویری، مخابراتی و داده مکانی فرد، ورود وی به خانه‌اش را به اپراتور سیستم اعلان نموده و بمباران محل سکونت را پیشنهاد می‌دهد.

نکات تکمیلی زیر، عمق جنایات جنگی رژیم صهیونیستی در ارتباط با به کارگیری سامانه‌های فوق را روشن می‌سازد: براساس گزارش منابع اسرائیلی، اپراتور انسانی تنها ۲۰ ثانیه زمان داشته است که خروجی توصیه ماشین به حمله هوایی جهت ترور هدف انسانی موردنظر را بررسی کند. اطمینان خاطری که ارتش اسرائیل مبنی بر صحت ۹۰ درصدی نتایج لاوندر اعلام کرده بود و همچنین فرصت تقریباً صفر برای بررسی انسانی نتایج، منجر می‌گردید که در قریب اتفاق موارد، نتیجه ماشین تأیید و دستور حمله هوایی صادر می‌گردید. این امر حاکی از به کارگیری تمام عیار «ماشین علیه انسان» در فجاج گذشته است.

بمباران عوامل و افسران حماس در محل سکونت آنان، سبب کشتار و شهادت همه اعضای خانواده و محل سکونت آنان گردیده است.

شناسایی ماشینی اهداف حملات هوایی، تعداد حملات را در هفته‌های ابتدایی اوایل جنگ به شدت بالا برد. به همین دلیل ارتش اسرائیل به منظور صرفه جویی در هزینه‌های نظامی، بمب‌های غیرهوشمند و غیردقیق را برای حملات هوایی خودکار مورد استفاده قرار داد که منابع اسرائیلی آنها را «بمب‌های احمق» نامیده‌اند. علت این امر گران قیمت بودن بمب‌های هوشمند بوده است که صرفه جویی این رژیم متوحش به قیمت ریخته شدن خون غیرنظامیان بیشتری انجامید.

۲- تحلیل حقوقی

از زمان ظهور جدی هوش مصنوعی در سال‌های اخیر، دغدغه خاطر جدی اندیشمندان علوم انسانی و سیاستمداران و حقوقدانان جهان، توجه به مبانی اخلاقی در به کارگیری این فناوری و ایجاد محدودیت‌هایی برای جلوگیری از سوء استفاده از قابلیت‌های ضدانسانی هوش مصنوعی بوده است. هنری کسینجر در آخرین کتاب خود قبل از مرگ، سطح مخاطرات نظامی و امنیتی هوش مصنوعی را با سلاح‌های هسته‌ای مقایسه می‌کند و ضرورت ایجاد وقایع جهانی و استانداردهای بین‌المللی برای سوء استفاده از آنها را به مراتب بیشتر از انرژی اتمی توصیف می‌کند.

اثر عینی استفاده از فناوری هوش مصنوعی توسط رژیم صهیونیستی، جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی، کشتار غیرنظامیان، کشتار کودکان و جنایات جنگی دیگری است که در سایر یادداشت‌های این ویژه‌نامه مورد تحلیل قرار گرفته است، اما حسب موضوع این یادداشت، سوال این است که استفاده از هوش مصنوعی برای اهداف جنگی و کشتار انسان‌ها از حیث حقوق بین‌الملل مشمول چه احکامی است؟

۱-۲- فقدان قواعد و رویه‌های خاص حقوق بین‌الملل

۱- نخستین رخداد بین‌المللی در مورد استفاده مسئولانه کشورها از هوش مصنوعی، مربوط به سخنرانی آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد در جولای ۲۰۲۳ در شورای امنیت می‌شود که با ابراز نگرانی از مخاطرات نظامی و ضدانسانی هوش مصنوعی، بر ضرورت حصول توافق حقوقی لازم‌الاجرائی برای ممنوعیت استفاده از هوش مصنوعی در تسلیحات تمام خودکار جنگی تا سال ۲۰۲۶ تأکید نمود.

۲- چندماه بعد در ۱ نوامبر ۲۰۲۳ قطعنامه‌ای در مجمع عمومی سازمان ملل با عنوان «الگوریتم نباید کنترل کامل تصمیمات مبتنی بر کشتار را در دست داشته باشد» با ۱۶۴ رأی موافق، ۵ رأی مخالف و ۸ رأی ممتنع به تصویب رسید. اسرائیل و کشورهای از جمله چین، کره، عربستان و ایران جزو کشورهای دارای رأی ممتنع به این قطعنامه بودند. نکته اینکه اگرچه قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل، جنبه توصیه‌ای داشته و شأن لازم‌الاجرائی را برای کشورهای عضو سازمان ملل ندارند، لیکن مقدمه‌ای برای ایجاد عرف بین‌الملل، ارجاع و تفسیر مراجع بین‌المللی مانند دیوان دادگستری بین‌المللی و شورای امنیت و نهایتاً زمینه دستیابی به کنوانسیون لازم‌الاجرائی است که تا ۲ سال آینده بایستی به تصویب برسد.

۳- نخستین و مهمترین کنوانسیون بین‌المللی هوش مصنوعی، ماه گذشته توسط شورای اروپا به تصویب رسید. ۴۶ کشور عضو شورای اروپا و ۱۱ کشور غیرعضو شورای اروپا به این کنوانسیون رأی دادند. از جمله کشورهای غیراروپایی که به این معاهده پیوستند، ایالت متحده آمریکا و اسرائیل هستند. نکته بسیاری مهم در خصوص این کنوانسیون مستثنی شدن امور مربوط به امنیت ملی (بند ۲ ماده ۳) و امور دفاعی (بند ۴ ماده ۳) از تعهدات این کنوانسیون است.

۲-۲- به کارگیری سلاح‌های خودکار در پر تو حقوق بین‌الملل بشردوستانه

همانطوری که در بخش قبلی پرداخته شد، تاکنون هیچ یک از تلاش‌های بین‌المللی برای وضع رژیم حقوقی خاص جهت استفاده از هوش مصنوعی در منازعات و کشتار جمعی به نتیجه نرسیده است. لیکن براساس قواعد و رویه‌های حقوق بین‌الملل موجود و به خصوص حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اقدامات اخیر اسرائیل در به کارگیری هوش مصنوعی در کشتار جمعی غیرنظامیان قابل تحلیل و بررسی است.

موضوع سلاح‌های خودکار و مشروعیت به کارگیری آن سال‌ها قبل از ظهور هوش مصنوعی مورد بحث و تبادل نظر منابع علمی حقوق بین‌الملل قرار گرفته است. بر همین اساس سلاح‌های خودکار از منظر اصول بنیادین حقوق بشردوستانه که اهم آنها اصول تفکیک و تناسب است، بررسی گردیده است.

اصل تفکیک (Distinction): این اصل در پروتکل الحاقی اول کنوانسیون ژنو ذکر گردیده است و دولت‌ها را ملزم می‌کند که میان غیرنظامیان و نظامیان تمایز قائل شده و عملیات صرفاً باید به اهداف نظامی هدایت شوند. استفاده از هوش مصنوعی به دلیل خطاهای الگوریتمی یا عدم توانایی در شناسایی دقیق اهداف، غیرنظامیان را هدف قرار دهد و این اصل را نقض کند.

اصل تناسب (Proportionality): این اصل در پروتکل الحاقی اول مقرر نموده است حملاتی که سبب ایجاد آسیب جانبی بیش از حد در رابطه با مزیت واقعی و مستقیم نظامی پیش بینی نشده می‌شود ممنوع است. موضوع اصل تناسب خسارت جانبی است و رعایت این اصل در موقعیت‌های مختلف دارای پیچیدگی‌های اخلاقی است که از عهده ماشین خارج است. آمار شهادت غیرنظامیان و کودکان فلسطینی در جنگ اخیر نیز نشان می‌دهد که بمباران هوایی اهداف تعیین شده توسط سامانه لاوندر، این اصل به طور کلی نقض شده است.

۳- نتیجه

به‌رغم اینکه اقدامات ضدانسانی اسرائیل در کشتار خودکار غیرنظامیان فلسطینی، ناقض قواعد حقوق بشردوستانه است، لیکن تاکنون قاعده و رویه بین‌المللی خاص در زمینه منع یا محدودیت به کارگیری الگوریتم‌های پیشرفته هوش مصنوعی برای اهداف نظامی شکل نگرفته است. همان‌طوری که در سطور اخیر اشاره گردید، اندک تلاش‌های بین‌المللی هم که تاکنون برای کنترل سوء استفاده از هوش مصنوعی به منظور کشتار خودکار انسان‌ها شکل گرفته است، با تلاش‌های فعالانه دیپلماتیک اسرائیل و کشورهای حامی آن چون آمریکا، بی‌نتیجه بوده یا منحرف گردیده است.

به‌نظر می‌رسد با توجه به درک بین‌المللی نسبت به مخاطرات ضدانسانی هوش مصنوعی، تا ۲-۳ سال آتی، یک معاهده الزام‌آور جهانی در این زمینه تدوین و نهایی خواهد گردید؛ در این میان سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران در حمایت از مقاومت مردم فلسطین، مستلزم آن است که علاوه بر سایر حمایت‌های میدانی، در عرصه دیپلماسی نیز، در روند شور و تدوین کنوانسیون جهانی با استفاده از ظرفیت خبگانی و تخصصی کشور ابتکار عمل کافی را برای وضع تعهدات الزام‌آور و درخواست تحریم‌های فناوری علیه رژیم صهیونیستی را در دستور کار قرار دهد. (احقاق)

LIBERAL

همداستانی

تکنوکرات‌ها و لیبرال‌ها

مهدی جمشیدی

ایکم. هم‌زمان با چرخش ایدئولوژیک دولت از اقتصاد دولتی به اقتصاد آزاد در جریان انتقال از دولت موسوی به دولت هاشمی، محمد خاتمی با وجود آنکه در سمت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت موسوی، مواضع ناموجهی را به نام انقلابی‌گری برگرفته بود، به‌تدریج در دولت هاشمی‌رفسنجانی، روپه خود را تغییر داد و به لیبرالیسم فرهنگی گرایید؛ با این توجیه که جمهوری اسلامی نمی‌تواند بر منع و سلب در فضای فرهنگی تکیه کند و از آزادی‌های فرهنگی جلوگیری نماید. در واکنش به عملکرد لیبرالیستی خاتمی در وزارت ارشاد و به عرصه عموم کشیده شدن بحث‌ها و مناقشات در این‌باره، شورای عالی امنیت ملی جلساتی را برای گفتگو در این رابطه تشکیل می‌دهد. در طی این گفتگوها، اعضای حاضر در جلسات، بیشترین انتقادات و معایب را به روپه و مواضع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نسبت می‌دهند. خاتمی نیز در مواجهه با این نقدها، تصمیم به استعفا می‌گیرد. برای این منظور، نزد هاشمی‌رفسنجانی رفته و با این توضیح که عده‌ای از نیروهای سیاسی و فرهنگی، مجال فعالیت را از من ستانده‌اند، تقاضای استعفا می‌کند. در مقابل، هاشمی‌رفسنجانی از خاتمی می‌خواهد که نامالیات را تحمل کرده و همچنان در این جایگاه بماند، اما پاره‌ای از مواضع خویش را عمومی و آشکار نسازد. ولی خاتمی بر تصمیم خود پای می‌فشارد و سرانجام، موافقت رئیس‌جمهور وقت را برای پذیرش استعفا، جلب می‌کند. او، متن استعفانامه‌اش را در سوم خردادماه سال هفتادویک نوشت و در آن از ضرورت تحوّل فرهنگی در جامعه در راستای فراهم‌شدن فضای متناسب با نیازهای انسان معاصر و اقصائات زمانه سخن گفت و بر ترجیح مصونیت‌بخشی به نسل جوان به‌جای سلب آزادی‌های عمومی اصرار ورزید. وی تصریح کرد اهتمام به رونق فرهنگی، لوازم و تبعاتی دارد که فقط ظاهر بینان تنگ‌حوصله، حتی به قیمت تعطیلی اندیشه و نفی آزادی‌های مشروع و قانونی که نتایج سهمگین و ویرانگری به دنبال خواهد آورد، آن را برنمی‌تابند.

آدم. نکته‌مهم تاریخی در این‌باره آن است که هاشمی‌رفسنجانی با سیاست فرهنگی خاتمی، شکاف و زاویه‌ای نداشت، بلکه آن را تأیید می‌کرد: «گویا افکارشان [خاتمی] کم‌کم عوض شد. به‌تدریج تفکرات خوبی پیدا کرد، وقتی که [او] کار را [در وزارت ارشاد] شروع کرد، بعضی‌ها با ایشان مخالف شدند» [علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی، هاشمی بدون روتوش، ص ۲۲۵]. وی در جای دیگری به صراحت می‌گوید که از یک سو به خاتمی توصیه کرد که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باقی بماند و در مقابل فشارها، کناره‌گیری نکند، و از سوی دیگر، از وزیر بعدی نیز خواست در امتداد سیاست فرهنگی خاتمی حرکت کند و طرح فضای فرهنگی باز را بیشتر محقق گرداند: «وقتی [خاتمی] برای کناره‌گیری از وزارت ارشاد] پیش من آمد، به ایشان گفتم که اگر من جای تو بودم، استعفا نمی‌دادم و می‌ایستادم. بالاخره اگر هدف‌دار هستی، باید کارتان را بکنید، ضمن آن که به ایشان در عین حال گفتم می‌دانم که فشار هم بر روی شما زیاد است ولی بایستید. آقای لاریجانی هم که بعد از آقای خاتمی آمد، به او گفتم که شما در آن مقداری که آقای خاتمی پیش رفته است، عقب‌گرد نکنید و بیشتر باید به طرف باز شدن [فضای فرهنگی] حرکت کنید.» [همان، ص ۱۴۸].

اسوم. یکی از اصلاح‌طلبان می‌گوید هر چند خاتمی، اصرار هاشمی‌رفسنجانی بر ماندن وی را واقعی تلقی نکرده بود و بر این باور بود که هاشمی‌رفسنجانی نمی‌خواهد دولت سازندگی، بهای حضور خاتمی را بپردازد، اما پس از جلسه مشترک به او گفته بود که هاشمی‌رفسنجانی در برخی از موضوعات فرهنگی، نظرات و دیدگاه‌های پیشروانه‌تر دارد، اما نمی‌خواهد با مطرح‌کردن آنها در فضای عمومی و رسمی جامعه، مقاومت و مخالفت ایجاد کند (عبدالواحد موسوی لاری، «هاشمی، آمادگی پرداخت هزینه برای خاتمی را نداشت». ماهنامه نسیم بیداری، سال دوم، شماره ۲۱، آبان ۱۳۹۰، صص ۶۴-۶۵). جهت‌گیری فرهنگی تکنوکرات‌ها، زیربوستی و نهانی بود و اینان می‌کوشیدند از طریق تغییر بافت اقتصادی و مناسبات مادی، انقلاب‌زایی کنند، اما لیبرال‌های اصلاح‌طلب، شتابزده و آشکار بودند و می‌خواستند در کوتاه‌مدت، به نتیجه برسند. در نظر تکنوکرات‌ها، فرهنگ هیچ انگاشته می‌شد و اقتصاد، اصل و اساس بود و در نظر لیبرال‌ها، سیاست، عامل تعیین‌کننده بود. این دو جریان در پی آن بودند از فرهنگ به‌عنوان یک کاتالیزور در راستای طرح‌های تجدیدی خود استفاده کنند؛ یکی به دنبال توسعه بود و دیگری به دنبال دموکراسی. این دو جریان، بعدها تا حدی تلفیق شدند و به الگوی توسعه‌دموکراتیک رسیدند، اما از آغاز، هر دو در گرایش به لیبرالیسم فرهنگی، مشابه بودند و تفاوت‌شان فقط در روش بود یکی محافظه‌کار بود و دیگری رادیکال.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیک و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۱۳۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸
نشانی: بلوار کشاورز، خیابان عبدالته زاده، کوچه زیبا، پلاک ۴۴، واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



روایت تسخیر؛ جامع، خواندنی و قابل اعتماد

ایستگاه خیابان روزولت، در بیان جزئیات رویدادها دقیق عمل کرده است. آنچنان که اگر یک داستان نویس یا نویسنده فیلمنامه بخواهد تنها به یک منبع مراجعه کند تا قصه‌ی تسخیر را بنویسد، همین یک کتاب برای او کافی خواهد بود.

اشتیاق به کتاب و مطالعه در لحظه به بچه‌ها سرایت می‌کند

کودکان بلافاصله متوجه می‌شوند که آیا والدین از خواندن کتاب برای آنها لذت می‌برند یا فقط به این دلیل که فکر می‌کنند کتابخوانی برای کودک خوب است، این کار را انجام می‌دهند



فوتبال را در یابید، اوضاع خوب نیست

فریدون حسن



ورزشگاه شهر قدس وضعیت فاجعه‌باری دارد. ورزشگاه تختی با سروصدای زیاد بازسازی، اما بعد از یک بازی از رده خارج شد. ورزشگاه فولادشهر اصفهان با وجود هزینه ۶۰ میلیاردی و صله‌پینه‌ای است و با شیلنگ آبیاری می‌شود. از ورزشگاه نقش جهان هم خبرهای خوبی به گوش نمی‌رسد. ورزشگاه‌های امام رضای مشهد و قایقران انزلی هم وضعیت‌های جالبی ندارند. شنیده می‌شود قرار است ورزشگاه آزادی دی ماه آماده شود. در این میان وزرای ورزش و نفت هم خبر دادند که پروژه احداث ورزشگاه جدید پایتخت هم متوقف شده و باید آن را تمام‌شده فرض کنیم.

فدراسیون با AFC به سادگی گذشت؛ روابطی که باعث شده است خیلی از ایرادهای اساسی فوتبال ایران از چشم ناظران و بازرسان کنفدراسیون فوتبال آسیا ناپدید گرفته شود که اگر جز این بود، نام فدراسیون فوتبال ایران در بین نامزدهای برترین فدراسیون‌های فوتبال قاره قرار نمی‌گرفت. اوضاع خوب نیست و این واقعیتی است که حتی رأی و نظر مثبت بازرسان کنفدراسیون فوتبال آسیا هم نمی‌تواند باعث ناپدید‌گرفته شدن آن شود. ما فقط با جلب نظر ظاهری آن‌ها سر خودمان را کلاه می‌گذاریم.

این یک ماه مانند برق و باد خواهد گذشت. بازرسان می‌آیند و می‌روند، اینکه چه حکمی بدهند و وضعیت ورزشگاه‌های ما را تأیید کنند یا نه را باید منتظرش باشیم، ببینیم، اما نمی‌توانیم خودمان را گول بزنیم. نمی‌توانیم سرمان را مثل کبک در برف کنیم و بگوییم کنفدراسیون متوجه نشد و بعد هم مدعی شویم فوتبال‌مان حرفه‌ای است و مجوز حرفه‌ای هم گرفته است، واقعیت فرسنگ‌ها با این ادعا فاصله دارد. واقعیت این است که اوضاع‌مان خوب نیست و بدتر اینکه نمی‌خواهیم این واقعیت را بپذیریم و کاری اساسی برای بهبود وضعیت انجام دهیم. واقعیت این است که اوضاع فوتبال‌مان به لحاظ زیرساختی خوب نیست (البته به لحاظ فنی هم تعریف چندانی ندارد) این را باید باور کنیم.

این چند مورد بیانگر وضعیت ورزشگاه‌های کشور است؛ ورزشگاه‌هایی که میزبان مسابقات فوتبال هستند، هر چند از مسابقات بین‌المللی فوتبال فعلاً به سبب ملاحظات امنیتی در خارج از کشور میزبانی می‌کنیم، اما کسی نیست که نداند آقایان فدراسیون‌نشین چقدر بابت این اتفاق خوشحال هستند، چرایی‌اش هم مشخص است؛ بالاخره تعدادی سفر مفت گیرشان آمده است، ضمن اینکه اهمال‌کاری‌ها و سوءمدیریت‌شان در رسیدگی به ورزشگاه‌ها هم کمتر جلوی چشم قرار می‌گیرد.

در چنین وضعی خبر می‌رسد که تقریباً یک ماه دیگر بازرسان کنفدراسیون فوتبال آسیا به ایران می‌آیند. سؤال این است، آن‌ها قرار است از چه چیزی بازبینی و کدام امکانات را تأیید کنند؟ این روزها همه از پیشرفت کار خبر می‌دهند، اما چیزی که دیده می‌شود، چندان امیدوارکننده نیست، حداقل چیزی که تاکنون دیده شده این را می‌گوید. این روزها وقتی بازی‌های لیگ برتر را نگاه می‌کنیم، به وضوح می‌توان اوضاع اسفبار ورزشگاه‌ها را مشاهده کرد، اما کت و شلوارپوش‌های ورزش و فوتبال با تمام قدرت سعی دارند وانمود کنند همه چیز خوب است.

اوضاع خوب نیست، البته در این میان نباید از روابط

کسب نخستین طلای انفرادی تاریخ اسکواش ایران



رقابت‌های اسکواش غرب آسیا در عراق از روز سه‌شنبه در سلیمانیه آغاز شد.

اعتمادپور نماینده اسکواش ایران عصر روز پنجشنبه در دیدار فینال به مصاف عمار التیمی اسکواش باز مطرح کویتی رفت و با شکست این حریف نامدار توانست مدال طلا را به سینه بزند و صاحب نخستین مدال طلای انفرادی تاریخ اسکواش ایران در غرب آسیا شود.

باجدایی او موافقت شد



اطلاعیه باشگاه سپاهان در مورد استعفای مورایس

به اطلاع هواداران عزیز می‌رساند در پی استعفای رسمی شب گذشته آقای ژوزه مورایس پس از بازی سپاهان و آلومینیوم اراک، هیأت مدیره باشگاه سپاهان بامداد امروز تشکیل جلسه داد و با بررسی جمیع جوانب با استعفای ایشان موافقت نمود.

مقرر گردید در حال حاضر و تا تصمیمات بعدی، کادر فنی تیم با هدایت هوگو آلمیدا به کار خود ادامه دهد.

باشگاه سپاهان لازم می‌داند از زحمات آقای ژوزه مورایس در طول دوران حضور خود در سپاهان تقدیر نماید.

مورایس پس از برد تیمش مقابل آلومینیوم در رختکن سپاهان با تک تک بازیکنان این تیم خداحافظی کرد و مدعی شد دیگر به نیمکت سپاهان برنمی‌گردد.

بر خوردها باید جدی‌تر باشد

دنیاحیدری



موظف به تمکین کند و عمدتاً سرمربیان تیم‌های رده جوانان و امیدها در این زمینه با مشکل مواجه می‌شوند. دیروز کمیته انضباطی طی حکمی ۱۲ باشگاه لیگ برتری و لیگ یکی و ۱۵ بازیکنی که توسط باشگاه‌های خود اجازه حضور در اردوی تیم جوانان را نگرفته بودند به دو جلسه محرومیت محکوم کرده که یک جلسه آن تعلیقی است. اما آیا یک جلسه محرومیت می‌تواند تیم‌ها را موظف به همکاری با تیم‌های ملی رده‌های پایه کند؟

بی‌شک از هر تیم یک یا نهایت دو بازیکن رده جوانان به تیم ملی دعوت می‌شوند که نبودشان در ترکیب تیم‌های خود نمی‌تواند خیلی تأثیرگذار باشد. حال آنکه مجموعه نفرات دعوت شده شاکله تیم ملی را تشکیل می‌دهد و عدم حضور تعداد قابل توجهی از آن‌ها شرایط را برای موفقیت این تیم‌ها، حال می‌خواهد جوانان باشد یا امید دشتوار می‌کند. هرچند برخی تیم‌های ضعیف‌تر می‌توانند ادعا کنند که بازیکنان جوانی که به تیم ملی دعوت می‌شوند مهره‌های اصلی آن‌ها هستند، اما پی‌تردید تیم‌های پرمهره‌ای، چون پرسپولیس، استقلال، تراکتور و سپاهان که عمدتاً ستاره‌ها و بازیکنان اسم و رسم‌دار لیگ را دور خود جمع کرده‌اند، نمی‌توانند مدعی شوند که عدم حضور یکی، دو بازیکن جوان‌شان شرایط را چنان برایشان بغرنج کرده که نتوانستند به نتایجی که باید و شاید دست یابند. حمایت از تیم‌های ملی یک وظیفه است، اما باشگاه‌های فوتبال ایران سال‌هاست که توجهی به این وظیفه مهم خود نمی‌کنند و دود این بی‌توجهی به‌طور مستقیم به چشم تیم‌های ملی پایه (جوانان و امیدها) می‌رود. تیم‌هایی که به دلیل نداشتن مهره‌های مورد نیاز خود نمی‌توانند نتایجی را که باید کسب کنند و این

اندک محرومیت در نظر گرفته شده توسط کمیته انضباطی برای تیم‌هایی که حاضر به همکاری با تیم ملی جوانان نشدند، می‌تواند گام مثبتی باشد برای مسئله‌ای که سال‌هاست تیم‌های ملی پایه را به چالش کشیده است. البته به شرط آنکه محرومیت‌های در نظر گرفته شده اندکی سفت و سخت‌تر باشد.

لیست تیم ملی که اعلام می‌شود، بسیاری از تیم‌ها بابت عدم دعوت از برخی بازیکنان شاک می‌شوند، چراکه پوشیدن پیراهن تیم ملی را افتخاری بزرگ می‌دانند و نمی‌خواهند سهمی از این افتخار نداشته باشند و حتی سهم کمی داشته باشند. اما پای تیم‌های ملی رده‌های پایه که به میان می‌آید، همین تیم‌ها سر ناسازگاری می‌گذارند و هیچ تمایلی برای همکاری از خود نشان نمی‌دهند، گویا که تنها پوشیدن پیراهن تیم ملی بزرگسالان افتخار است! حال آنکه افتخار حضور در تیم‌های ملی رده‌های پایه هم از افتخار حضور در تیم بزرگسالان کمتر نیست، چراکه افتخار آفرینی در هر مقطع و هر رشته و زمینه‌ای برای کشور افتخار آفرینی است و حائز اهمیت. هرچند که جدا از بحث افتخار آفرینی و سهم داشتن در کسب موفقیت، حضور در این تیم‌ها تأثیر قابل توجهی نیز به لحاظ فنی برای بازیکنان دارد و می‌تواند بر کوله‌بار تجربیات آن‌ها بیفزاید، خصوصاً که عمده بازیکنان تیم‌های جوانان و امید نفرات فیکس و دائمی تیم‌های خود نیستند و شاید به ندرت فرصت حضور در ترکیب اصلی، آن‌هم در بازی‌های بین‌المللی را داشته باشند، اما در تیم جوانان و امیدها این میدان به آن‌ها داده می‌شود.

البته مسئله عدم همکاری تیم‌های باشگاهی با تیم‌های ملی رده‌های پایه داستان تازه‌ای نیست و هیچ یک از اقدامات و قوانین فدراسیون فوتبال تا به امروز نتوانسته تیم‌ها را

بی‌توجهی و عدم حمایت باید با چنان برخورد تند و قاطعی همراه باشد که هیچ تیمی به خود اجازه عدم همکاری با تیم‌های ملی را ندهد. در واقع محرومیت‌ها باید به گونه‌ای باشد که باشگاه‌ها با یک دودوتا، چهارتای ساده به این نتیجه برسند که عدم همکاری با تیم‌های ملی برایشان آنقدر گران تمام می‌شود که ارزش سرپیچی ندارد! برخوردی، چون بسته شدن پنجره نقل‌وانتقالات یا در نظر گرفتن محرومیت‌های طولانی‌مدت.

کسی را مستخبره نکن که ...

عاقبت دامان خودت را می‌گیرد

(سوره انبیاء آیه ۴۱)

پیشخوان
Pishkhan.com

